



بنیاد عبد الرحمن برومند

ترور در بوئنوس آیرس

جنایت فراموش شده جمهوری اسلامی علیه بشریت



گزارشی از بنیاد عبدالرحمان برومند

ترجمه هرمز حکمت

ژوئیه ۲۰۰۹ / مرداد ۱۳۸۸

3220 N St NW, Suite 357
Washington, DC 20007

در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران
طرح بنیاد عبد الرحمن برومند

فهرست

۱. پیشگفتار 1
۲. بمب گذاری 1
 - الف) طراحی برنامه و نقش جمهوری اسلامی 1
 - ب) تهیه مقدمات 5
 - پ) انفجار 8
۳. انگیزه های جمهوری اسلامی 9
 - الف) وعده شکنی هسته ای 10
 - ب) نزدیک شدن آرژانتین به غرب 12
 - پ) سوریه به عنوان رابط 13
۴. الگوی آشنا و همیشگی 14
 - الف) تکرار جنایت 14
 - ب) اشباح پاریس ۱۹۸۶ 14
۵. تحقیقات 17
 - الف) بررسی های نخستین 17
 - ب) نافر جامی بررسی های نخستین 19
 - یک. تنش در روابط با مقامات امنیتی 20
 - دو. دوستان ناباب منم 20
 - پ) آغاز تحقیقات تازه 21
۶. تجزیه و تحلیل حقوقی 22
 - الف) بمب گذاری «آمیا»: یک عمل تروریستی 22
 - ب) بمب گذاری «آمیا»: جنایتی علیه بشریت 23
 - اول. پیشینه تاریخی 24
 - دو. قانون حاکم 25
 - الف. یوگوسلاوی و رواندا 25
 - ب. دادگاه بین المللی کیفری 26
 - پ. عناصر اصلی جنایت 26
 - سه. قانون حاکم بر قضیه «مرکز همیاری» 28
۷. نتیجه گیری 32

۱. پیشگفتار

در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۴، وانتی که حامل ۲۷۵ کیلوگرم مواد منفجره بود به درون ساختمان «مرکز همیاری یهودیان آرژانتین» (آمیا) در قلب محله یهودیان آرژانتینی رانده شد. انفجار ناشی از این حمله ساختمان را ویران ساخت، به بناهای مجاور آن آسیب رساند و به کشتار ۸۵ تن و مجروح شدن ۱۵۱ نفر انجامید. بسیاری از کشته شدگان و مجروحان راهگذران محل بودند. دولت آرژانتین بی درنگ پس از این انفجار به بررسی دلائل و یافتن مرتکبان آن، و به ویژه شناسایی نقش اتباع بیگانه و شرکای محلی آنان در این جنایت پرداخت. اگرچه بررسی های اولیه به سبب بی کفایتی و فساد مراکز تحقیقاتی متوقف شد، اما، اسناد به دست آمده در این تحقیقات و بررسی های متعاقب آن این واقعیت انکار ناپذیر را روشن کرد که: نقشه بمب گذاری آمیا در بالاترین مراکز تصمیم گیری جمهوری اسلامی ایران طراحی شده و به دست مأموران دیپلوماتیک این کشور با همراهی عوامل حزب الله به مرحله اجرا گذاشته شده بود. این بمب گذاری در واقع اقدامی تلافی جویانه در واکنش به تصمیم آرژانتین به قطع همکاری با جمهوری اسلامی در زمینه برنامه های هسته ای گرفت. گرچه پلیس بین المللی (INTERPOL) دستور دستگیری شش تن از ایرانیان متهم به شرکت در بمب گذاری را صادر کرده است، هیچیک از آنان تا این تاریخ محاکمه نشده اند.

۲. بمب گذاری

الف) طراحی برنامه و نقش جمهوری اسلامی

نقش جمهوری اسلامی در انفجار آمیا در تحقیقاتی که دولت آرژانتین در این باره آغاز کرده بود آشکار شد. در این تحقیقات، که نزدیک ده سال به طول انجامید، مدارک جرم، مصاحبه با گواهان واقعه، و متون نوشته شده گفت و گویای ضبط شده مورد بررسی قرار گرفتند. گروه تحقیق به نام «واحد بررسی های مالی پرونده مرکز همیاری» شهرت یافت. برپایه تحقیقات این گروه بود که پلیس بین المللی تصمیم به صدور برگ توقیف مأموران جمهوری اسلامی ی شریک در ارتکاب جرم گرفت.^۱ نقشه منفجر کردن ساختمان آمیا در مشهد و در جلسه ای که در تاریخ

۱. وظیفه اینترپول، که مقرش در شهر لیون فرانسه است، تسهیل همکاری بین نیروهای پلیس و نهادهای انتظامی کشورهای عضو این سازمان است. اینترپول گرچه رأساً حق دستگیری متهمی را ندارد، اما دولت های عضو آن می توانند از هشدار «قرمز» اینترپول به عنوان مجوز قانونی برای دستگیری و استرداد اتباع خارجی استفاده کنند

۱۴ اوت ۱۹۹۳ به ریاست علی اکبر هاشمی رفسنجانی^۲ رئیس جمهور وقت تشکیل شده بود، ریخته شد. در این جلسه علی خامنه ای رهبر رژیم، علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه و علی فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم نیز شرکت داشتند. این چهار نفر همگی اعضای اصلی کمیته امور ویژه نیز بودند که در سال ۱۹۸۹ برای تصمیم گیری در باره مسائل عمده مربوط به امنیت رژیم، و به ویژه برای خنثی کردن نیروها و سازمان های مخالف رژیم که در کشورهای گوناگون جهان فعالیت می کردند، تأسیس شده بود.^۳

اطلاعات و موارد مطرح شده در این جلسه را برای نخستین بار ابوالقاسم مصباحی، یکی از مأموران امنیتی رژیم، افشا کرد.^۴ تشکیل این جلسه از سوی کسان دیگری نیز تأیید شده است. به گفته رضا ذاکری کوچک سرائی، رئیس کمیسیون امنیت و اطلاعات شورای مقاومت ملی ایران [وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران]: «تصمیم به انجام بمب گذاری در شورای امنیت ملی رژیم در جلسه مورخ ۱۴ اوت ۱۹۹۳ گرفته شد. این جلسه تنها دو ساعت به درازا کشید از ۴:۳۰ تا ۶:۳۰ بعد از ظهر.»^۵ به محض قطعی شدن تصمیم به اجرای نقشه انفجار علی خامنه ای در فتوایی مسئولیت انجام مأموریت را مشترکاً بر عهده وزارت اطلاعات فلاحیان و واحد قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گذاشت.^۶ احمد وحیدی سرپرستی واحد قدس را بر عهده داشت.^۷ بر پایه گزارش یک منبع موثق، فلاحیان به این دلیل به سرپرستی گروه بمب گذاران گماشته شد که تخصص اش در انجام این گونه عملیات بود.^۸ او در سال ۱۹۴۵ در قم زاده و بزرگ شد و به جمع مقلدان و هواداران سرسخت خمینی پیوست و در مقام قاضی شرع در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهری به صدور شتاب زده احکام اعدام متهمان یافت.^۹ سوای نقشی که در کشتن مخالفان رژیم در آن سوی مرزهای ایران داشت، فلاحیان متهم به شرکت

^۲ ن. ک. به:

“Unidad Fiscal de Investigación: Causa Amia”, 25 Octubre 2006, Ministerio Público de la Nación (“Causa Amia)

^۳ ن. ک. به:

Iran Human Rights Documentation Center, *Murder at Mykonos: Anatomy of a Political Assassination* (New Haven, Connecticut, March 2007), 6.

^۴ مصباحی که در دادگاه میکونوس شهادت داد در سال ۱۹۹۶ به آلمان فرار کرده بود و در حال حاضر در پناه مقامات آلمانی در این کشور به سر می برد. در میان ایرانیان گریخته از کشور، مصباحی بیشترین آگاهی ها را به اطلاعات محرمانه و حساس در زمینه فعالیت ها و عملیات مخفیانه رژیم در عرصه بین المللی داشت.

^۵ شورای ملی مقاومت ایران شاخه سیاسی مجاهدین خلق، از سازمان های مسلح مخالف رژیم جمهوری اسلامی است. این سازمان، گرچه اغلب به انتشار اسناد جعلی متهم شده است، گهگاه به ارائه اطلاعات دقیق در زمینه رویدادهای عمده امنیتی و نظامی درون ایران نیز دست زده است. به عنوان نمونه این سازمان بود که برای اولین بار، در سال ۲۰۰۲، جهان را از فعالیت های هسته ای و زیرزمینی جمهوری اسلامی با خبر کرد.

^۶ پرونده آمیا.

^۷ سپاه قدس شاخه زیرزمینی سپاه انقلاب جمهوری اسلامی است و مسئولیت فعالیت های نظامی رژیم در آنسوی مرزهای ایران را به عهده دارد. این سپاه متهم است به آموزش دادن و کمک به حزب الله در لبنان، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و شورشیان ضد آمریکایی در عراق.

^۸ فلاحیان به شرکت در کشتار میکونوس نیز متهم است. در این باره ن. ک. به پانویس ۱۳۴.

^۹ ن. ک. به: Thomas Sancton, “The Tehran Connection,” *Time Magazine*, 21 March 1994

و مباشرت در قتل های زنجیره ای سال ۱۹۹۸ است که روشنفکران هوادار محمد خاتمی را هدف قرار داده بود.¹⁰

رشته کارهایی که قرار بود در خود آرژانتین انجام شود به دوگروه مجزا محول شده بود: دیپلومات های ایرانی و عوامل حزب الله. عضو اصلی گروه دیپلومات ها در بوننوس آیرس، محسن ربّانی، تنها کسی بود که به مجموع اطلاعات در باره نقشه انفجار دسترسی داشت و مسئولیت تدارکات بمب گذاری را نیز برعهده گرفته بود (از جمله تهیه مواد منفجره و خودرو برای حمل آن، خرید تلفن های دستی، و شناسایی راه های فرار از محل ارتکاب جرم). ربّانی، به اقوال مختلف، در ۲۳ ژانویه ۱۹۵۲ و یا ۲۳ ژانویه ۱۹۵۷ زاده شد و پیش از اقامت در حوزه علمیه قم، برای آشنائی با مقدمات فقه و احکام اسلامی به کلاس های آیت الله محمد میلانی در مشهد راه یافت.¹¹ وی در اوت ۱۹۸۳ با یک روادید توریستی وارد آرژانتین شد تا اولین مأموریت خارج از کشور خود را به انجام رساند. وظیفه اش بهره جوئی از هر فرصتی برای تبلیغ و ترویج انقلاب اسلامی بود. پس از چندی، ربّانی در پوشش یک بازرگان ایرانی روادید موقتی خود را به اجازه اقامت دائم تبدیل کرد.

شرکت صوری او گوشت گاو جنوب (South Beef) نام داشت که به ظاهر قصد صدور گوشت گاو آرژانتینی به ایران را داشت.¹² در واقع، امّا، کار اصلی این شرکت تسهیل خرید و فروش و حمل و نقل اسلحه و مهمات قاچاق و جعل گذرنامه و کارت شناسائی برای ورود غیرقانونی به آرژانتین بود.¹³ چند سالی بعد، ربّانی نخست به عنوان یک پیشوای مذهبی و سپس در لباس یک شیخ عرب به مسجد التوحید راه یافت. در بهار سال ۱۹۹۴ به سمت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی در آرژانتین منصوب شد. یکی از جالب ترین بخش های تحقیقات مربوط به آمیا را باید جست و جو برای پی بردن به شغل رسمی ربّانی دانست. او اگرچه مدت یازده سال در آرژانتین به سر برده بود و از لحاظ شغلی پس از سفیر مهم ترین مقام سفارت به شمار می رفت، تنها سه ماه پیش از انفجار ساختمان آمیا، یعنی در مارس ۱۹۹۴ به مقام رایزن فرهنگی سفارت رسید و در نتیجه از مصونیت دیپلماتیک برخوردار شد.

دستیار ربّانی احمد اصغری نام داشت و، با اسم مستعار محسن رنجبران، مسئول فعال کردن شبکه ایرانیان محلی بود، به عنوان دست راست سفیر جمهوری اسلامی، هادی سلیمان پور شناخته می شد. اصغری پیش از آن که به مقام یک دیپلومات ارتقا یابد به سپاه پاسداران انقلاب پیوست¹⁴ و، پس از گذراندن مدرسه نظامی امام علی، به

¹⁰ ن. ک. به:

Christopher de Bellaigue, "Cleric's Campaign Has Been Dogged by Murder Claims," The Independent, London, 1 June, 2001

¹¹ پرونده آمیا.

¹² همانجا.

¹³ همانجا.

¹⁴ همانجا.

عنوان معاون رئیس یک شرکت صوری متعلق به همان سپاه مشغول به کار شد.¹⁵ وی پیش از رفتن به آرژانتین برای انجام مأموریت در شهر فرانکفورت آلمان اقامت داشت.

حزب الله، همان گروهی که جمهوری اسلامی برای اجرای نقشه اش به خدمت گرفته بود، در سال های اخیر به مظهر خشونت و اعمال تروریستی مشهور شده و شبج اش بر سراسر خاورمیانه سایه افکنده است. در طی ربع قرن گذشته، این گروه که نخست یکی از سازمان های فعال در جنگ داخلی لبنان بود به تدریج شاید به قوی ترین نیروی سیاسی این کشور و در واقع به دولتی اندر دولت تبدیل شد. گرچه در اطراف این سازمان افسانه و اسطوره بسیار تنیده شده، اما دانسته ها نیز در باره اش اندک نیست. حزب الله در جریان دگرگونی های بحران زائی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوائل دهه ۱۹۸۰ در لبنان، به ویژه در میان شیعیان این کشور، رخ داد سر برکشید. عامل اصلی در پیدایش این گروه حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ بود. گرچه این سال را اغلب سال تولد حزب الله می شمرند، واقعیت چنین نیست زیرا در سال های نخست پیدایش اش «حزب الله نه یک سازمان که یک محفل سیاسی توطئه گر بود»¹⁶ سوریه و ایران هردو اعتبار زایش حزب الله را از آن خود می دانند اما به یقین نقش جمهوری اسلامی را در تبدیل حزب الله به یک سازمان چریکی نیرومند باید مهم تر از نقش سوریه شمرد.

برای جمهوری اسلامی حزب الله وسیله ای ایده آل برای پر اکندن بذر انقلاب اسلامی در منطقه بوده است. جمهوری اسلامی است که واحدهائی از سپاه پاسداران را برای تعلیمات نظامی به دره بقاع-منطقه تحت تسلط نیروهای حزب الله- اعزام کرده. در مقابل، حزب الله نیز عملاً نقش پاسدار و مدافع منافع جمهوری اسلامی در لبنان را بر عهده گرفته است. حزب الله را باید عامل اصلی و پشت پرده گروگان گیری هایی دانست که در سال های پایانی دهه ۱۹۸۰ اتباع کشورهای غربی را آماج خود کرده بود.¹⁷ افزون بر این، حزب الله در حملات انتحاری که به منهدم شدن قرارگاه های نظامی ایالات متحد آمریکا و فرانسه در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ انجامید نقشی عمده داشت.¹⁸ این حملات، که نشان از ورود حزب الله به عرصه جهانی داشت، با کمک های هنگفت مادی و فنی جمهوری اسلامی صورت می گرفت.¹⁹ در واقع، راننده کامیون حامل مواد انفجاری یک تبعه ایرانی به نام اسماعیل عسگری بود.²⁰ به هر حال، دولت ایران هیچگاه نقش اش را در این حملات انکار نکرده است. سال ها بعد، محسن رفیق دوست، از مقام های عالی رتبه سپاه پاسداران، افتخار کرده بود که دولت آمریکا می داند که هم ایدئولوژی و هم ت. ن. ت. که با یک ضربه ۴۰۰ سرباز آمریکائی را به درک واصل کرد منشائی ایرانی

¹⁵ مسجد امام علی به عنوان محلی برای آموزش اعضای سپاه پاسداران انقلاب، سپاه قدس و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی شناخته شده است.

¹⁶ ن. ک. به: Augustus Richard Norton, *Hezbollah: A Short History*, Princeton 2007, p. 34

¹⁷ ن. ک. به:

Magnus Ranstorp, *Hizb'allah in Lebanon: The Politics of the Western Hostage Crisis*, Palgrave McMillan (1997), pp. 91-105.

¹⁸ همان.

Peterson Y. Iran, 264 F. Supp 2 d 46, 33, 2003 U.S. District Court.

¹⁹ ن. ک. به:

²⁰ همان.

داشت.²¹ علاوه بر فرستادن مستشاران نظامی، جمهوری اسلامی کمک های مالی و نظامی در اختیار حزب الله گذاشته است. میزان کمک مالی این دولت به حزب الله در حدود ۱۰۰ میلیون دلار در سال برآورد شده.²² کمک های نظامی نیز شامل انواع اسلحه و مهمات بوده است.²³

در رویارویی اش با اسرائیل، سوریه هم از یاری غیرمستقیم حزب الله بی نصیب نمانده زیرا، با توجه به ضعف نیروی نظامی این کشور در مقایسه با اسرائیل، عملیات چریکی حزب الله در آن سوی مرزهای جنوبی لبنان اهرمی ضروری برای افزایش فشار بر اسرائیل است. افزون براین، به سبب نزدیکی سوریه به اسرائیل و نقشی که دمشق به عنوان واسطه در فرستادن اسلحه و مهمات از ایران به لبنان ایفا می کند، دمشق همواره توانسته است عملیات نظامی حزب الله را مهار کند.²⁴ از همین رو، بدون موافقت ضمنی رژیم سوریه، حزب الله نمی تواند به یک حرکت عمده نظامی دست زند- به ویژه در آن سوی مرزهای لبنان.

ب) تهیه مقدمات

به تاریخ اول ژوئیه ۱۹۹۴، سه تن از عوامل حزب الله، عماد مغنیه، ابراهیم حسین برّو و ابو محمد یاسین از راه فرودگاه بین المللی از یزه در حومه بوننوس آیرس، وارد آرژانتین شدند.²⁵ به اعتقاد مأموران تحقیق آرژانتینی، این سه نفر با گذرنامه های جعلی یک کشور اروپائی (به احتمالی یونان) وارد آرژانتین شده بودند.²⁶ یکی از مهم ترین آثار جرمی که بازجویان آرژانتینی یافته بودند ردّ گفتگوهای تلفنی بود. در ساعت ۵:۳۰ صبح ۱۲ بعداز ظهر، روز ورود، اعضای گروه عملیات از دو تلفن مختلف عمومی فرودگاه استفاده کردند.²⁷ طرف هردو پیام تلفنی ساکن یا ساکنان آپارتمان ۷۰۷ خیابان کرینتس در بوننوس آیرس بودند. پیام تلفنی سوّم در ساعت ۵:۲۱: ۵ بعد از ظهر از آپارتمان ۷۰۷ یاد شده و پیام چهارم هم از همان آدرس اما از خط تلفنی دیگر در ساعت ۵:۳۶: ۵ بعد از ظهر فرستاده شده بود. در ساعت ۵:۳۶: ۵ بعد از ظهر همان روز و از همان آپارتمان نمره تلفن ساختمانی در بیروت گرفته شده بود که به حزب الله تعلق دارد. در ۹ صبح ۸ ژوئیه، تلفن دیگری از آپارتمان ۷۰۷ به یک تلفن دستی در فوز دو ایگوانو زده شد. پس از این تلفن در ظرف ۱۹ دقیقه بیشتر از ۲۰ ارتباط تلفنی با شماره های

²¹ رسالت، ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷، ۸.

Nathan Vardi, "Hezbollah's Hoard," Forbes, 14 August 2006

²² ن. ک. به:

²³ ن. ک. به:

Anthony Cordesman, "Iran's Support of the Hezbollah in Lebanon," CSIS publication, 15 July 2006

حزب الله در این سال ها توانسته است به موشک های کوتاه برد کاتیوشا، موشک های دوربرد، موشک های دستی ضدتانک، خمپاره و موشک های ضد کشتی دست یابد.

Daniel Byman, "Should Hezbollah Be Next", *Foreign Affairs*, November/December 2003.

²⁴ ن. ک. به:

²⁵ پرونده آمیا.

²⁶ همانجا.

²⁷ همانجا.

تلفن های متعلق به حزب الله در لبنان برقرار شد. از تلفن دستی فوز دو ایگواذو، که به نام آندره مارکز ثبت شده، از ۱۸ ژوئیه به بعد هرگز استفاده نشده است. تلفن هائی که از فوز دو ایگواذو، بزرگ ترین شهر ایالت جنوبی پانارا، زده شده دارای اهمیتی ویژه است. این شهر در تقاطع مرزی بین سه کشور آرژانتین، برزیل و پاراگوئه قرار دارد و شهرنش بیشتر ناشی از داد و ستد گسترده مواد و کالاهای قاچاق، بالابودن نرخ جرائم و مرزهای کمابیش بدون کنترل است.²⁸ مردمانی از ملیت ها و تبارهای گوناگون در این شهر مسکن گزیده اند از جمله شماری بزرگ از اهالی چین، لبنان، سوریه، پاراگوئه، فلسطین، پرتغال، و اوکراینی.²⁹ ۹۰ درصد اعراب شهر لبنانی تبار اند.³⁰ در این میان حزب الله از راه داد و ستد کالاهای قاچاق بخشی از هزینه های خود را تأمین می کند. مجموع این شرائط و عوامل همراه با ضعف نیروهای امنیتی نگرانی مأموران دادگستری و نهادهای اجرائی برانگیخته اند.

از سه مسافری که در این روز وارد آرژانتین شدند مسلماً مغنیه را باید مهم ترین دانست. قبل از مرگش که چندی پیش در دمشق روی داد، مغنیه یکی از خطرناک ترین و در عین حال ناشناخته ترین تروریست های جهان به شمار می آمد. ظاهراً در سال ۱۹۶۲ در روستائی در لبنان متولد شده بود. وی در اوائل دهه ۱۹۸۰، به حزب الله نوبنیاد پیوست و در نهایت امر به رده فرماندهان مهم آن رسید. برخی از عملیات تروریستی که به او نسبت داده شده عبارت اند از حمله های انتحاری به پادگان های آمریکائی و فرانسوی در بیروت در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳، ربودن هواپیمای TWA (پرواز شماره ۸/س ۴۷) در ژوئن ۱۹۸۵، گروگان گیری اتباع کشورهای غربی از جمله ویلیام باکلی، رئیس شعبه سازمان مرکزی اطلاعات ایالات متحد آمریکا (CIA) در بیروت در اواخر دهه ۱۹۸۰، بمب گذاری در سفارت اسرائیل در آرژانتین در سال ۱۹۹۲ و انفجار برج های خبار در عربستان سعودی در سال ۱۹۹۶. برخی مغنیه را «تیزهوش ترین و موفق ترین تروریست جهان» توصیف کرده اند. ۴۲ کشور در صدد یافتن و دستگیری او بودند و ایالات متحد آمریکا برای دستگیری اش ۵ میلیون دلار پاداش تعیین کرده بود.³¹ صرف حضور فردی چون عماد مغنیه در آرژانتین را باید مهم ترین ردپای ایران و حزب الله در بمب گذاری آمیا شمرد.

برو را مأموران تحقیق راننده وانت حامل مواد منفجره شناسائی کرده اند. پیش از ورود به آرژانتین، وی در محل زندگی خود، شهر بعلبک در لبنان، به کارهای مکانیکی اشتغال داشت.³² گرچه در مصاحبه هائی خویشانش از

²⁸ ن. ک. به:

James Dao, "US Expanding Efforts to Block Terrorist Funds in Latin Region", *New York Times*, 21 December 2002.

²⁹ ن. ک. به:

Rex Hudson, Terrorist and Organized Crime Groups in the Tri-Border Area (TBA) of South America, Federal Research Division, Library of Congress, July 2003.

³⁰ همانجا.

³¹ ن. ک. به:

Robert Baer, interview in "Shadow Warriors," *60 Minutes II*, 1 May 2002

³² پرونده آمیا.

این که وی عضو حزب الله بوده اظهار بی اطلاعی کرده بودند، نشانه هائی از نقش وی در ماجرا به دست آمده است.³³ در تابوتی که در مراسم خاکسپاری اش، با شرکت برخی از سران شناخته شده حزب الله، حمل می شد جسدی وجود نداشت. به ادعای حزب الله، برّو در یک درگیری بین سربازان اسرائیلی در جنوب لبنان کشته شده بود. عباس، برادر برّو، تأیید کرده است که دوران غیبت برّو از خانه اش با تاریخ انفجار آمیا مقارن بوده.³⁴ علاوه براین، دبیر کل حزب الله، شیخ حسن نصرالله، در مراسم ترحیم برّو پدر او را به خاطر فدا کردن دو تن از پسرانش در راه شهادت مورد تحسین قرار داد. و بالاخره، شماری از شاهدان عینی در آرژانتین، هنگام دیدن عکس هائی که مأموران تحقیق از مرتکبان احتمالی انفجار به آن ها نشان داده بودند، برّو را به عنوان راننده وانت شناسائی کرده اند.³⁵

پس از ورود به آرژانتین، برّو، با همراهی شخصی به نام احمد سعد، به منزلی در مرز سه گانه که به فوآد و عبدالله اسماعیل تورموز تعلق داشت رفت.³⁶ سعد، یک لبنانی شیعی، رئیس شعبه حزب امل لبنان در منطقه سه گانه مرزی بود³⁷ و در تسهیل ورود غیرقانونی علاقه مندان مهاجرت به آرژانتین با یکی از اعضای فاسد پلیس فدرال همکاری می کرد. فوآد و عبدالله تورموز نیز از اعضای حزب الله در برج البرجنه، روستائی در حومه بیروت، بودند.³⁸ فوآد در سال ۱۹۹۲ به پاراگوئه مهاجرت کرده بود و دو سال بعد برادرانش نیز به او پیوستند.³⁹

طراحی برنامه حمله نیز در دو مسجد صورت گرفت.⁴⁰ (۴۰) مسجد ایمان محل جلسات انجمن اسلامی آرژانتین بود. دیگری، مسجد التوحید، توجه مقامات آرژانتینی را جلب کرده بود. این مسجد در سال ۱۹۸۳ در قطعه زمینی که جمهوری اسلامی خریده بود ساخته شد برای این هدف مشخص که «بین نیم میلیون مسلمان آرژانتینی وحدت ایجاد کند.»⁴¹ (۴۱) این مسجد، که ربانی از اعضای فعالش بود، محل تردد همه کسانی شده بود که به اسلام علاقه داشتند. درس های زبان و آموزش مذهبی در این مسجد ارائه می شد و امکان اقامت هم در آن برای افراد مندان فراهم بود. علاوه بر این، گردانندگان مسجد سفر به ایران را نیز برای علاقه مندان تسهیل می کردند.

³³ عضویت و فعالیت های حزب الله در پس پرده اختفا است. یکی از برادران برّو، اسد؛ نیز عضو حزب الله بود اما خویشانش تنها پس از کشته شدن او در یک حمله انتحاری به یک کاروان اسرائیلی به چنین واقعیتی پی بردند.

³⁴ پرونده آمیا.

³⁵ همانجا.

³⁶ همانجا.

³⁷ عمل، یک گروه چریکی لبنانی شیعه، در سال ۱۹۷۵ ایجاد شد. این گروه در جنگ داخلی لبنان از متحدان نزدیک سوریه بود و رئیسش، نبیه برّی رئیس مجلس لبنان است.

³⁸ پرونده آمیا.

³⁹ همانجا.

⁴⁰ همانجا.

⁴¹ جمهوری اسلامی، ۱۴ دسامبر ۱۹۸۳.

یکی از مهمترین کارهای تدارکی تهیه خودروئی مناسب حمل بمب بود. براساس تحقیقات انجام شده، ربانی برای این کار به خوان خوزه ریپلی روی آورد.⁴² ریپلی در پلیس فدرال آرژانتین درجه سروانی داشت و دست راست رئیس پلیس استان بوئنوس آیرس بود و افزون براین، مسئولیت بخش سرقت ماشین را نیز در اداره پلیس بر عهده داشت. از سوی دیگر، ریپلی نیز از کارلوس آلبرتو تلدین، یک تبعه آرژانتینی، که حرفه اش دزدی ماشین و اجزاء موتور و شاسی آن بود، کمک گرفت.⁴³ در دهم ژوئیه سال ۱۹۹۴، تلدین در یک روزنامه آرژانتینی برای فروش یک خودرو با مشخصاتی مشابه وانتی که در بمب گذاری پیدا شد، و با همان شماره موتور (۳۸۱۴۶۷)،⁴⁴ یک آگهی چاپ کرده بود. تلدین در بازجویی های بعدی از چند تن از پلیس های همکارش، به نام های آناستازیو لیل، ماریو بریرو و رائل ایبا که متعاقباً دستگیر شدند، به عنوان شرکای جرم نام برد.⁴⁵ وی همچنین اقرار کرد که پس از دزدیدن وانت آن را شخصاً به ریپلی تحویل داده است.

پ) انفجار

در روز ۱۵ ژوئیه سال ۱۹۹۴، در حدود ساعت شش بعد از ظهر، یک وانت کوچک رنو، که به نام «ترافیک» مشهور بود به داخل پارکینگ جت در خیابان آزکونگا، شماره ۹۵۹، رانده شد.⁴⁶ دقایقی پس از ورود وانت به محوطه پارکینگ ناگهان از حرکت بازماند. بلافاصله مردی به طرف وانت رفت، به جای راننده قبلی نشست و توانست آن را روشن و سپس پارک کند. راننده جدید با دست علامتی به راننده اصلی داد و محل پارکینگ را ترک کرد. راننده اصلی به طرف متصدی پارکینگ، خوزه آنتونیو دیاز، رفت و پس از پرسش هایی درباره مقررات پارکینگ و این که می خواهد وانت را برای چند روز در پارکینگ نگه دارد برگ رسیدی از خوزه گرفت که در آن ۴ رقم آخر شماره وانت قید شده بود. راننده سپس به دفتر مدیر پارکینگ، خورخه کارلوس گیزر، راهنمایی شد و در آن جا توضیح داد که مایل است وانت را برای چهار یا پنج روز در پارکینگ نگه دارد ولی ممکن است آن را یک یا دوبار از پارکینگ خارج کند. راننده وانت خود را به نام کارلوس مارتینز معرفی کرد و هتل لاس امریکا را به عنوان آدرس محل اقامتش. متصدی پارکینگ و مدیرش هردو نسبت به هویت و گفته های راننده شک داشتند و در واقع فکر می کردند که ممکن است دزد باشد.

⁴² پرونده آمیا.

⁴³ همانجا.

⁴⁴ همانجا.

⁴⁵ همانجا.

⁴⁶ همانجا.

از همان روز، چند تلفن، از تلفن های عمومی در اطراف ساختمان آمیا، به تلفن دستی فوز دو ایگوازو زده شد.⁴⁷ زمان تلفن آخر صبح زود ۱۸ ژوئیه و از تلفن عمومی ایروپارک، فرودگاه محلی بوئنوس آیرس، بود.⁴⁸ کمی دیرتر در حدود ساعت ۵۳:۹ صبح همان روز، یک وانت رنو به در ورودی ساختمان مقر آمیا در خیابان پاستور، شماره ۶۳۳ نزدیک شد. پس از عبور از پیاده رو، وانت منفجر شد. انفجار به قدری قوی بود که سراسر دیوار ساختمان را فرو ریخت و به بناهای نزدیک نیز به شدت آسیب رساند. به برآورد مأموران تحقیق، بمب منفجر شده قدرتی برابر ۲۷۵ کیلوگرم تی ان تی داشت و از ترکیب نیترات امونیوم، آلومینیوم، بنزین، تی ان تی و نیتروگلیسرین (دینامیت) ساخته شده بود.⁴⁹ در نتیجه این انفجار ۸۵ تن کشته شدند، ۶۷ تن در ساختمان آمیا و ۱۸ تن دیگر در ساختمان ها و خیابان های اطراف آن.⁵⁰ این مهلک ترین حمله ای که از پایان جنگ جهانی دوم تا آن زمان علیه مردم یهودی رخ داده بود ۱۵۱ تن مجروح نیز برجای گذاشت. بمب به گونه ای جای گذاری شده بود که بیشترین ضربه را به ساختمان مورد نظر، در فاصله ۳ تا ۵ متری، وارد آورد.⁵¹ فشار هوای ناشی از انفجار بمب دیوارهای اصلی و زیرپایه ای بنا را یکسره ویران ساخت و در نتیجه با فرو ریختن کف طبقات کل ساختمان نیز فرو ریخت.

۳. انگیزه های جمهوری اسلامی

تصمیم جمهوری اسلامی برای حمله به یک هدف یهودی انگیزه های گوناگون دلائل گوناگون داشت از جمله خشم رژیم ایران از تصمیم دولت آرژانتین به متوقف ساختن همکاری اش در برنامه هسته ای ایران و در عین حال گسترش روابط اش با غرب، و به ویژه با ایالات متحد آمریکا. دلیل دیگر احساس اطمینان این رژیم به گریختن از مجازات احتمالی بود. پاسخ ملایم دولت آرژانتین به بمباران سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس در سال ۱۹۹۲ را می توان یکی از دلائل این احساس اطمینان دانست. افزون بر این، تصمیم دولت آرژانتین به قطع همکاری با سوریه در برنامه تولید موشک حافظ اسد را برانگیخت تا آرژانتین را از فهرست کشورهای که حزب الله در آن ها مجاز به اقدامات خصمانه نبود، حذف کند.

⁴⁷ همانجا.

⁴⁸ همانجا.

⁴⁹ همانجا.

⁵⁰ ن. ک. به:

Their Names and Their Faces: Album to the Honor the Victims of the Bombing of July 18, 1994. Buenos Aires, 2004.

⁵¹ ن. ک. به:

Protecting Buildings From Bomb Damage: Transfer of Blast-Effects Mitigation Technologies from Military to Civilian Application (National Academy Press: Washington, D.C., 1999).

الف) وعده شکنی هسته ای

با پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه گسترده ای که در دوران شاه برای استفاده های صلح آمیز از انرژی اتمی آغاز شده بود، در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفت. در ابتدای کار، یکی از شرکت های تابعه کارخانجات زیمنس آلمان در آستانه تکمیل نیروگاه های هسته ای بوشهر بود.⁵² افزون بر این، قبل از انقلاب، دولت ایران ده در صد از سهام شرکت یورودیف- مرکب از موسسات فرانسوی، اسپانیایی، بلژیکی و ایتالیایی- را خریده بود. این شرکت اورانیوم غنی شده را در اختیار نیروگاه های هسته ای تجاری قرار می داد.⁵³ دولت تازه پای جمهوری اسلامی همه قراردادهای هسته ای ایران با شرکت های خارجی را لغو کرد و هزینه برنامه های هسته ای ایران را در عداد هزینه های مصرفانه و غیر لازم دانست.⁵⁴

با این همه، در سال ۱۹۸۴، رژیم جمهوری اسلامی، ضمن اظهار علاقه به دسترسی به انرژی هسته ای، از شرکت زیمنس آلمان دعوت کرد که به تکمیل نیروگاه بوشهر بپردازد.⁵⁵ اما، دولت آلمان، با تکیه بر ناامنی ناشی از جنگ ایران و عراق و نیز بر خطر گسترش سلاح های هسته ای، شرکت زیمنس را از ادامه کار در بوشهر منع کرد.⁵⁶ در نتیجه ایران به جست و جوی کمک و همکاری کشورهای دیگر برخاست. به دلایل گوناگون، آرژانتین برای این منظور کشوری مناسب به نظر می رسید. برنامه های هسته ای این کشور در دهه ۱۹۵۰ آغاز شده بود و توانسته بود این برنامه ها را، بدون وابستگی شدید به تکنولوژی کشورهای دیگر، به مرحله اجرا رساند.⁵⁷ این خود کفائی نسبی، همراه با خودداری آرژانتین از الحاق به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) سبب شد که این کشور به یکی از بزرگ ترین عرضه کنندگان تکنولوژی و ابزار هسته ای به کشورهای در حال رشد و یکی از مطلوب ترین مقصد ها برای سفر مسئولان برنامه های هسته ای «دولت های آشوبگر» دنیا تبدیل شود.⁵⁸

Nucleonics Week, 8 July

“Eurodif: Iran in Europe,” The Economist, 11 January, 1975

“Iran Set to Scrap \$34 Billion Worth of Civilian Projects,” Washington Post, 30 1975.

Nuclear Engineering International, November 1985.

52. ن. ک. به:

53. ن. ک. به:

54. ن. ک. به:

55. ن. ک. به:

56. ن. ک. به:

Ann MacLachlan, “Iran Seeking Way To Finish Bushehr Plant But Bonn Denies Exports,” Nucleonics Week, 30 October 1986, 4-5.

57. عامل دیگر این بود که نیروی دریائی آرژانتین بر برنامه هسته ای کشور کنترل داشت. گرچه دولت نظامی آرژانتین در سال ۱۹۸۳ برکنار شد، تنها در اوایل دوره ریاست جمهوری میم بود که وی موفق شد برنامه هسته ای را یکسره در اختیار دولت قرار دهد.

58. ن. ک. به:

Tracking Nuclear Proliferation 1998 (Washington DC: Carnegie Endowment). Argentina supplied Algeria its 1-megawatt Nur reactor and Egypt a 22-megawatt ETRR-2 research reactor.

ایران گفت و گو با آرژانتین را در دسامبر ۱۹۸۵ آغاز کرد. در پایان گفت و گو، دو دولت قراردادی را امضا کردند که بر اساس آن آرژانتین متعهد شده بود اورانیوم غنی شده (به میزان ۲۰٪) به ایران صادر کند.⁵⁹ در ژانویه ۱۹۸۶، مؤسسه تحقیقات کاربردی آرژانتین برای عرضه میله تازه ای برای نیروگاه تحقیقاتی هسته ای تهران، که به کمک آمریکائی ها ساخته شده بود، با ایران گفت و گوهائی را آغاز کرد.⁶⁰ یازده ماه بعد، هیئتی از یک شرکت مشترک آلمانی-آرژانتینی با مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران در تهران دیدار کرد. هدف این دیدار گفت و گو در باره توسعه روابط بین طرفین بود، از جمله در زمینه آموزش متخصصین و مهندسين ایرانی. در ماه مه،⁶¹ موافقت نامه ای در این زمینه امضا شد. در همین اوان، بر اساس گزارش های منتشر شده، مرکز تحقیقات کاربردی آرژانتین آمادگی خود را برای عرضه اطلاعات مربوط به چرخه سوخت هسته ای به ایران اعلام کرده بود. در ماه مه ۱۹۸۷، مؤسسه یاد شده در موافقت نامه ای با سازمان انرژی اتمی ایران متعهد شد که در ازای دریافت پنج میلیون دلار و نیم نیروگاه تحقیقاتی دانشگاه تهران را نوسازی و مجهز کند. افزون براین، آرژانتین تعهد کرده بود که متخصصان ایرانی را در مؤسسه هسته ای خوزه بالزرو آموزش دهد. براساس برخی گزارش ها، آرژانتین حتی پذیرفته بود که در تکمیل نیروگاه بوشهر به ایران یاری دهد، گرچه مقامات آرژانتینی وجود چنین تعهدی را در موافقت نامه انکار کردند. در پی موافقت آژانس بین المللی اتمی با فروش اورانیوم غنی شده به ایران، آرژانتین به ارسال آن به ایران پرداخت. در اواخر سال ۱۹۹۱، آرژانتین به بررسی امکان فرستادن وسائل تبدیل اورانیوم غنی شده به دی اکسید اورانیوم، و سپس به سوخت اتمی، پرداخته بود. ۱۸ میلیون دلار برای بستن قراردادی در این باره در نظر گرفته شده بود. بر اساس گزارش دیگری، آرژانتین آمادگی داشت حتی محفظه های بتونی ویژه آزمایش مواد و ابزار رادیو اکتیو (hot cells) را به ایران بفروشد.⁶²

در همین اوان، ایالات متحد آمریکا، که از دیرباز نگران برنامه های هسته ای آرژانتین بود، به اعمال فشار علیه دولت این کشور پرداخت. در ۲۲ ژانویه ۱۹۹۲، برنارد آرونسون، معاون وزارت خارجه آمریکا در امور مربوط به آمریکای لاتین، در دیداری با گیدو دیتلا، وزیر امور خارجه آرژانتین، نگرانی دولت آمریکا را در باره روابط مؤسسه تحقیقات کاربردی آرژانتین با ایران، با وی در میان گذاشت. گرچه دیتلا در ظاهر منکر اعمال فشار آمریکا به آرژانتین برای متوقف کردن فروش مواد هسته ای به ایران شد، چند روز پس از این دیدار، کارلوس میم، رئیس جمهور آرژانتین قرار داد ۱۸ میلیون دلاری یادشده را، به دلیل نبودن پادمان های کافی، فسخ کرد.⁶³ یکی از عواملی که در تغییر رأی مقامات آرژانتینی احتمالاً نقشی داشته پیشنهاد ریچارد کندی، سفیر آمریکا در آژانس بین المللی اتمی بود. بر اساس این پیشنهاد دولت آمریکا متعهد می شد که مؤسسه تحقیقات کاربردی

⁵⁹ ن. ک. به: *Jornal do Brasil*, Rio de Janeiro, 14 June 1987

⁶⁰ این شرکت آرژانتینی، که در عمل متعلق به دولت است، در زمینه تکنولوژی های پیشرفته مانند انرژی هسته ای و علوم فضائی فعالیت دارد.

⁶¹ ن. ک. به: *Nuclear Engineering International*, July 1987, 4-5.

⁶² ن. ک. به: *Nuclear Fuel*, 9 December 1991, 11-12.

⁶³ ن. ک. به: *Nucleonics Week*, 2 April 1991, 15.

آرژانتین را برای ایجاد روابط تجاری مناسبی با شرکت های آمریکائی یاری دهد.⁶⁴ تصمیم آرژانتین به قطع روابط با ایران در زمینه هسته ای، همراه با ادامه امتناع دولت آلمان از کمک به ایران در این زمینه، ایران را وادار ساخت که برای تکمیل نیروگاه بوشهر به گزینه های دیگری متوسل شود.

ب) نزدیک شدن آرژانتین به غرب

چرخش کامل آرژانتین در قطع همکاری با ایران در زمینه فعالیت های هسته ای با دگرگونی دیگری در سیاست خارجی این کشور همزمان بود. گرچه آرژانتین هرگز رسماً به گروه کشورهای غیر متعهد نیبوسته بود اما همواره در عرصه بین المللی موضعی مستقل داشت.⁶⁵ این موضع حتی در دوران دیکتاتوری نظامیان ۱۹۸۳-۱۹۶۵، و در نبرد کوتاه مدت اما مصیبت بار آرژانتین برای بازپس گرفتن جزایر فاکلند از انگلستان، نیز بر جا مانده بود. این موضع انزوا جویانه که از دوران پرون به ارث رسیده بود با انتخاب کارلوس میم به ریاست جمهوری در ۱۹۸۹ به کنار گذاشته شد. در اوت همین سال، میم روابط دیپلماتیک با انگلستان را، که در جنگ فاکلند قطع شده بود، از سر گرفت و به سازمان اتلانتیک شمالی نزدیک شد. اما، مهم ترین تغییر در سیاست خارجی آرژانتین در روابط این کشور با ایالات متحد آمریکا روی داد. از نشانه های گویای این تغییر رویه فرستادن یک فروند ناو جنگی به خلیج فارس، و شرکت واحدهای نظامی آرژانتین در نیروی پاسداری صلح در هائیتی بود. در ۱۹۹۳، میم به افتخار از برقرارشدن روابط «تنگاتنگ» بین آرژانتین و آمریکا سخن می گفت.⁶⁶ روابط نوین بین دو کشور شامل یک بعد اقتصادی نیز بود زیرا دولت آرژانتین ضمن حمایت از تلاش های ایالات متحد آمریکا برای ایجاد بازرگانی آزاد در میان کشورهای در آمریکای شمالی و جنوبی، از سرمایه گذاری های مستقیم آمریکا در این کشور روز افزون بهره مند می شد.⁶⁷ دورشدن تدریجی آرژانتین از گروه کشورهای غیر متعهد از این اعتقاد سرچشمه می گرفت که همکاری با این گروه نه تنها کمکی به حفظ منافع آرژانتین نمی کرد بلکه به دور شدن آرژانتین از متحدان طبیعی اش انجامیده بود.⁶⁸

⁶⁴ ن. ک. به: "U.S. Halted Nuclear Bid by Iran," *Washington Post*, 17 November 1992.

⁶⁵ ن. ک. به:

David R. Mares, "Foreign Policy in Argentina, Brazil and Chile: The Burden of the Past, the Hope for the Future," *Latin America Research Review* 21, no. 9 (1994), 227-37.

Editorial, *New York Times*, 4 September 1993.

⁶⁶ ن. ک. به:

⁶⁷ تا پایان سال ۱۹۹۰، میزان سرمایه گذاری به ۳ بیلیون دلار در سال رسیده بود.

⁶⁸ ن. ک. به: Alberto Miguez, "Argentina's Budding Relationship with NATO," *NATO Review*, June, 1993.

پ) سوریه به عنوان رابط

شرکت حزب الله در عملیاتی که بیرون از لبنان اجرا می شد نیازمند موافقت دولت سوریه بود. اما، به خاطر شکایت هائی که سوریه از لبنان داشت، مخالفتی با شرکت حزب الله در عملیات آرژانتین نکرد. شکایت های سوریه بیشتر از تصمیم آرژانتین به قطع همکاری با این کشور در مورد ساخت موشک معروف به کرکس ۲ ناشی می شد. این موشک که نخستین بار پس از جنگ فاکلند پرتاب شد در آغاز حاصل همکاری بین سه کشور آرژانتین، عراق و مصر برای تولید موشکی با برد هزار کیلومتر بود.⁶⁹ با شکست عراق در جنگ نخست خلیج فارس، سوریه علاقه مند به پرکردن جای آن کشور در این طرح شد.⁷⁰ افزون بر این، در سال ۱۹۹۰، سوریه قراردادی با مؤسسه تحقیقات کاربردی آرژانتین برای خرید یک نیروگاه تحقیقاتی ۱۰ مگاواتی امضا کرد که مناسب برای تولید ایزوتوپ و سوخت اورانیوم غنی شده باشد.⁷¹ در همین زمان، ایالات متحده آمریکا که نگران ادامه این نوع روابط بود مصمم به اعمال فشار بر آرژانتین شد. دولت مینم، علی رغم ناخشنودی ارتش آرژانتین، تصمیم به کنار گذاشتن طرح تولید موشک های کرکس ۲ گرفت.⁷² روابط آرژانتین با سوریه نیز به سرنوشت مشابهی رسید زیرا دولت آرژانتین قرارداد مؤسسه تحقیقات کاربردی با سوریه را لغو و بستن هر قرارداد تازه ای با این کشور را مشروط به آن کرد که با اسرائیل قرار داد صلح ببندد.⁷³ این رویدادها و دگرگونی ها در مجموع خشم اسد را برانگیخت و سبب شد که او آرژانتین را از فهرست کشورهای هائی خارج کند که حزب الله⁷⁴ در آن ها حق دخالت و فعالیت نداشت.

⁶⁹ ن. ک. به:

Carlos Escudé and Beatriz Gurevich, "Limits to Governability, Corruption and Transnational Terrorism: The Case of the 1992 and 1994 Attacks in Buenos Aires," *Estudios Interdisciplinarios de América Latina* 14, no. 2 (2004). (Hereafter referred to as "Limits to Governability")

⁷⁰ همانجا.

⁷¹ ن. ک. به:

Mark Hibbs, "INVAP Seeks Thai Reactor Sale; Syria Expected to Sue for Supply," *Nucleonics Week*, 27 October 1994.

⁷² ن. ک. به:

Nathaniel Nash, "Argentina's President Battles his Own Air Force on Missile," *New York Times*, 13 May 1991.

Hibbs, "INVAP Seeks Thai Reactor Sale; Syria Expected to Sue for Supply."

⁷³ ن. ک. به:

Escudé and Gurevich, "Limits to Governability".

⁷⁴ ن. ک. به:

۴. الگوی آشنا و همیشگی

الف) تکرار جنایت

جمهوری اسلامی و حزب الله نخستین ضربه تروریستی به یک نهاد یهودی در آرژانتین را در سال ۱۹۹۲ وارد کردند. در ۲۷ مارس آن سال، یک کامیون انتحاری ساختمان سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس را با خاک یکسان کرد.⁷⁵ این انفجار ۲۹ تن کشته و ۲۴۲ نفر مجروح بر جای گذاشت. تا زمان منفجر کردن ساختمان آمیا این انفجار بزرگ ترین عمل تروریستی در آرژانتین شمرده می شد و هنوز هم مرگبارترین حمله به مرکز هیئت نمایندگی اسرائیل در یک کشور خارجی به شمار می رود. در پس این حمله بود که اسرائیل شماری از مأموران امنیتی خود را برای کمک به هیئت رسیدگی به این جنایت به آرژانتین فرستاد. کار این هیئت، اما، به جایی نرسید.⁷⁶ واکنش به این انفجار نارسا بود و تحقیقات و بازپرسی ها از شفافیت لازم برخوردار نبود. از حزب الله به عنوان مرتکب احتمالی جنایت نام برده شد و از قتل سید عباس موسوی، یکی از رهبران حزب الله، در فوریه ۱۹۹۲ به عنوان انگیزه انتقام جویانه مرتکبان.⁷⁷ گرچه مقامات آرژانتینی حکم دستگیری عماد مغنیه را در سپتامبر ۱۹۹۹ صادر کردند، تا کنون کسی به عنوان مرتکب جنایت محاکمه نشده است.⁷⁸ (مغنیه چندی پیش در سوریه کشته شد)

ب) اشباح پاریس ۱۹۸۶

کسانی که در نقش جمهوری اسلامی در انفجار آمیا تردید دارند اغلب به این نکته اشاره می کنند که گرچه آرژانتین همکاری خود با ایران را در زمینه هسته ای با ایران متوقف کرده بود و سیاست نزدیکی به آمریکا را تعقیب می کرد، دو کشور در سال ۱۹۹۴ در حال گفت و گو بودند.⁷⁹ به نظر چنین کسان، عاقلانه نبود که جمهوری اسلامی هنگامی به ارتکاب این عمل تروریستی دست زند که هنوز امکان به نتیجه رسیدن گفت و گوها بر جای بود. چنین استدلالی، هر قدر هم منطقی، به چهارچوب نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی عنایت کافی ندارد. بهره جوئی جمهوری اسلامی از خشونت الزاماً مقدمه آغاز فوری خصومت علنی با دولت ها و حتی نشان بن بست در گفت و گوهای دیپلماتیک نیست. رفتار خشونت آمیز و اعمال فشار می تواند وسیله ای برای

⁷⁵ ن. ک. به:

Eugene Robinson, "Argentina Pondering Why Bombers Chose Their Capital," Washington Post, 20 March 1992.

⁷⁶ ن. ک. به:

Carol Rosenberg, "Israel Vows Revenge in Embassy Bombing," Miami Herald, 19 March 1992.

Iran Behind Embassy Blast, U.S. Says," Toronto Star, 8 May 1992

⁷⁷ ن. ک. به:

World Briefing, New York Times, 4 September 1999

⁷⁸ ن. ک. به:

Gareth Porter, "Argentina's Iranian Nuke Connection," Asia Times, 15 November 2006.

⁷⁹ ن. ک. به:

وادر کردن طرف به دادن امتیازات بیشتر باشد. نمونه بارز چنین رفتاری نقش ایران در سلسله بمب گذاری هائی است که در فرانسه در پائیز ۱۹۸۶ رخ داد.

در این زمان جنگ ایران و عراق وارد ششمین سال خود شده بود و جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی در انزوای روزافزون به سر می برد. پس از انتخاب ژاک شیراک به نخست وزیری فرانسه، در مارس همین سال، دولت فرانسه به تلاش برای بهبود روابط با جمهوری اسلامی پرداخت تا شاید بتواند به آزادی گروگان هائی که در لبنان گرفتار شده بودند کمک کند. از شرایطی که ایران برای بهبود روابط با فرانسه گذاشت یکی این بود که این دولت از هواداری گسترده آشکار و پنهان خود از عراق دست بردارد.

در این زمان، فرانسه دومین صادر کننده اسلحه و مهمات، از جمله جت های جنگنده مدرن، هلیکوپتر، موشک و توپهای دور برد، به عراق بود.⁸⁰ برای جمهوری اسلامی از همه ناراحت کننده تر اقدام فرانسه برای «وام دادن» پنج فروند هواپیمای جنگی و دوربرد ایتاندار، توانا به غرق کردن کشتی های ایران در خلیج فارس، به عراق بود.⁸¹ گرچه فرانسه عراق را یکسره رها نکرد، اما در نهان به فرستادن محمولات نظامی به ایران نیز پرداخت. به گفته یک مقام رسمی فرانسوی «ما به ایران امتیازات بسیار دادیم.»⁸² افزون بر این، فرانسه یکی از بزرگ ترین شرکای بازرگانی ایران در اروپا بود و ایران هم بزرگترین صادر کننده نفت به فرانسه.⁸³ با این همه، هدیه جمهوری اسلامی، در پاسخ به امتیازات داده شده از سوی فرانسه، گرفتار کردن این کشور با یک سلسله بمبگذاری ها و قتل هائی بود که از زمان جنگ الجزیره در دهه ۱۹۶۰ تا آن هنگام در فرانسه دیده نشده بود.⁸⁴

این سلسله خشونت ها در سوّم ماه فوریه با بمب گذاری در یک فروشگاه بزرگ در خیابان شانزه لیزه که به مجروح شدن هشت نفر انجامید آغاز شد.⁸⁵ شب بعد، بمب دیگری در یک کتابفروشی در محله دیگری از پاریس منفجر شد.⁸⁶ هنگامی که، در پائیز ۱۹۸۶، انفجارها پایان یافت، ده تن کشته و ۲۵۰ تن مجروح یا معلول شده بودند.⁸⁷ به احتمالی، برای تحقیر ژاک شیراک بمب گذاران ساختمان شهرداری پاریس را هم آماج انفجار

Helen Chapin Metz, ed., *Iraq: A Country Study* (Washington, DC: GPO, 1988).

⁸⁰ ن.ک. به:

⁸¹ همانجا.

⁸² ن.ک. به:

“Lull in Gulf attacks raises hopes- and skepticism; French toughen stance toward Tehran and terrorism,” *Christian Science Monitor*, 24 July 1987.

“France Ends Oil Embargo as Iran-Europe Ties Grow”, *New York Times*, 3 December 1988.

⁸³ ن.ک. به:

⁸⁴ ن.ک. به:

Richard Bernstein, “The Terror: Why France? Why Now?” *New York Times Magazine*, 19 October 1986.

Blast Wounds 4 in Paris; Bomb at Tower Defused,” *The New York Times*, 5 February 1986.

⁸⁵ ن.ک. به:

⁸⁶ همانجا.

⁸⁷ ن.ک. به:

“Terrorism’s other target: The roots of the Paris terror bombing campaign,” *The Times* (London), 19 September 1986.

کردند.⁸⁸ گزارش های نخستین یک گروه ناشناخته به نام کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی در خاورمیانه و کشورهای عربی را مسئول بمب گذاری ها شمردند. این کمیته ظاهراً خواستار آزادی رهبر یک گروه چریکی گمنام لبنانی و رئیس سوریه تبار یک گروه ارمنی بود که سال ها قبل از این بمب گذاری ها به فرودگاه اورلی پاریس حمله برده بودند.⁸⁹

با این همه، مقامات فرانسوی ایران را عامل پشت پرده انفجارهای پاریس شمردند.

در میان زندانیان مورد نظر بمب گذاران انیس نقاش عضو سازمان آزادی بخش فلسطین بود که به جرم سوء قصد به شاپور بختیار، آخرین نخست وزیر شاه، در یکی از حومه های پاریس در ژوئیه ۱۹۸۰ محکوم و زندانی شده بود.⁹⁰ گرچه بختیار از این سوء قصد جان به در برده بود، مأمور حفاظت او و یکی از همسایگان سالخورده اش در این سوء قصد کشته شدند.⁹¹ علاوه بر این، مأموران تحقیق گرجی نامی را که ظاهراً به عنوان مترجم در سفارت ایران در پاریس کار می کرد به عنوان سازمان دهنده انفجارها شناسائی کردند.⁹² اما، گرجی، پیش از آن که مورد بازجویی قرار گیرد، به عنوان پناهنده به سفارت ایران رفت.⁹³ هنگامی که دولت فرانسه ناگزیر سفارت ایران را در محاصره قرار داد دولت ایران نیز به تلافی سفارت فرانسه در تهران را محاصره کرد. گرچه دولت فرانسه خواستار استرداد گرجی شده بود، دیری نگذشت که مقامات فرانسوی بدون هیچ توضیحی او را به ایران بازگرداندند زیرا، بر اساس برخی از گزارش ها فرانسه در ازای کمک ایران برای آزادی گروگان های فرانسوی در لبنان با خروج گرجی از فرانسه موافقت کرده بود.⁹⁴ در فوریه ۱۹۸۹، هنگام سفر پر سر و صدای رولان دوما، وزیر خارجه فرانسه به ایران، ولایتی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، شکایت کرده بود که فرانسویان به وعده خود برای آزاد کردن نقاش وفا نکرده اند.⁹⁵ اما، سال بعد آرزوی جمهوری اسلامی برآورده و انیس نقاش به خاطر «مصالح عالیّه» دولت فرانسه از زندان آزاد شد.⁹⁶ پیوند آسان گفت و گوی دیپلماتیک و خشونت با

⁸⁸ ن. ک. به:

“French see City Hall bombing as blackmail for prisoner release,” *Christian Science Monitor*, 10 September 1986.

⁸⁹ ن. ک. به:

“Terrorism’s other target: The roots of the Paris terror bombing campaign.”

⁹⁰ ن. ک. به:

Ronald Koven, “2 More Suspects Held in Paris for Attempt to Kill Bakhtiar,” *Washington Post*, 20 July 1980.

⁹¹ در ماه اوت سال ۱۹۹۱، جمهوری اسلامی، هنگامی که سه نفر مهاجم بختیار و رئیس دفترش را کشتند، سرانجام به هدفش رسید.

⁹² “French Shift View on Bomb Suspects,” *New York Times*, 29 July 1987.

⁹³ ن. ک. به:

“Iran Ends its Blockade of France’s Embassy,” *New York Times*, 5 July 1987

⁹⁴ ن. ک. به:

“France Lets Bombing Suspect Go In Step to Restore Ties with Iran,” *New York Times*, 30 November 1987.

Pierre Beylau, “Low Blow,” *Le Point*, 13 February 1989

⁹⁵ ن. ک. به:

⁹⁶ ن. ک. به:

Alan Riding, “Prisoners in France Protest Freeing of Pro-Iran Terrorist,” *New York Times*, 1 August 1990.

یکدیگر در این قضایا نمونه بارز بی پروائی رژیم جمهوری اسلامی در بهره جوئی از خشونت است حتی هنگام گفت و گو با دولتی که آماج خشونت قرار دارد.

۵. تحقیقات

الف) بررسی های نخستین

در پی بمب گذاری در بوئنوس آیرس، دولت آرژانتین به تحقیقات دو گانه در باره آن پرداخت. از یکسو هدف شناسائی نقش عوامل خارجی در این جنایت بود و از سوی دیگر یافتن همدستان آرژانتینی آنان. مهمترین ویژگی این تحقیقات ماهیت سهل گیرانه آن بود به خصوص با توجه به جدی بودن ابعاد جنایت. نخستین نشان این سهل انگاری در تعیین قاضی مسئول نظارت بر جریان تحقیقات بود. خوزه گالیانو، قاضی برگزیده شده، تصادفاً در روز انفجار قاضی کشیک بود و در تحقیقات در مورد جرائم تروریستی تجربه چندانی نداشت.⁹⁷ علاوه بر این، امکانات مالی و انسانی که باید در تحقیقات بزرگ ترین انفجار تاریخ آرژانتین به کار برده می شد در دسترس بازپرسان قرار نگرفت. در مراحل مختلف تحقیق، تنها بین ۱۵ تا ۲۰ مأمور در باره جنایت و مرتکبان آن مشغول رسیدگی که آشکارا برای قضیه ای به این پیچیدگی کافی نیست. نزدیک به سه سال گذشت تا سرانجام یک گروه صدفی را مأمور بررسی پرونده کردند اما کار تحقیق به دلیل فقدان هماهنگی لازم بین اعضای گروه همچنان با مشکل روبرو بود.⁹⁸ برعکس، پس از بمباران یک ساختمان فدرال در شهر اوکلاهامای آمریکا در سال ۱۹۹۴ حکومت فدرال به سرعت پنج هزار تن پلیس و کارآگاه را به تحقیق در باره این جنایت گماشت. پس از بمب گذاری و انفجار در سفارت خانه های ایالات متحد آمریکا در کنیا و تانزانیا در سال ۱۹۹۸ نیز مأموران تحقیق و بازجوئی آمریکائی در اندک زمان در صحنه حاضر شدند.⁹⁹ این مأموران در ظرف ۴ روز حدود ۳ هزارتن از گواهان دور و نزدیک این انفجار را مورد بازپرسی قرار دادند. اما، در انفجار مورد بحث در آرژانتین، حتی تا سال ۲۰۰۳ نیز هنوز مقامات پلیس آرژانتین هنوز برخی از شاهدان را برای بازپرسی احضار نکرده بودند. البته دولت آرژانتین را، چه از لحاظ پرسنل و چه منابع مادی برای رسیدگی فوری و جامع در باره این گونه رویدادها، نمی توان در مقام مقایسه با ایالات متحد آمریکا قرار داد. با این همه، سرعت و ماهیت واکنش آرژانتین در قبال این بمب گذاری عمق علاقه دولت را به روشن کردن ابعاد این جنایت مورد پرسش قرار می دهد.

⁹⁷ ن.ک. به:

Sergio Kiernan, *Seeking the Truth: The AMIA Bombing Goes to Trial*, publication of the American Jewish Committee.

Escude and Gurevich, "Limits to Governability."

⁹⁸ ن.ک. به:

⁹⁹ همانجا.

مانع بزرگ دیگر در راه تحقیقات را باید اکراه نهادهای امنیتی آرژانتین در کمک به روند کار دانست. سازمان اصلی امنیتی آرژانتین در این زمان غرق در اختلافات درونی بود. گرچه از مراکز امنیتی و اطلاعاتی آمریکا، فرانسه، اسرائیل، آلمان و اسپانیا اطلاعات و پیشنهادهای گوناگون دریافت شده بود اما مقامات امنیتی آرژانتین ظاهراً برای بهره جویی از این اطلاعات و پیشنهادهای تلاش جدی نکردند.¹⁰⁰ به گفته یک روزنامه نگار آرژانتینی، رائول کلن، «مسئله اصلی این است که دولت آرژانتین هرگز علاقه مند به حل قضیه نبود.»¹⁰¹ در واقع، کار تحقیقات هنگامی جدی شد که یکی از بزرگترین و مشهورترین سازمان های عضو آمیا در شکایتی به کمیسیون حقوق بشر دولتهای آمریکائی دولت آرژانتین را متهم کرد که نه تنها در حفظ جان قربانیان انفجار قصور کرده بلکه با قصور در تحقیقات و کوتاهی در یافتن و تعقیب مرتکبان جرم حقوق قربانیان انفجار را پایمال کرده است. در این شکایت دولت آرژانتین به قصور زیر متهم شده بود: (۱) انتقال آوار ناشی از انتقال پیش از نمونه برداری و انجام آزمایش های لازم برای کشف آثار جرم؛ (۲) کوتاهی در نگهداری و حفظ مدارک مثبت جرم که در محل سکونت افراد مظنون به ارتکاب جرم به دست آمده بوده؛ (۳) کوتاهی در بازجویی از شاهدان اصلی.¹⁰²

بی میلی در انجام تحقیقات جدی در باره این جنایت منحصر به مقامات دولتی نبوده است. بلافاصله پس از وقوع انفجار، روبن براها، رئیس دفتر انجمن های یهودیان آرژانتین، از دولت آرژانتین خواست که در باره انفجار به انجام تحقیقات گسترده و جدی اقدام کند.¹⁰³ اما در طول سال های نخستین پس از انفجار، براها موضع و لحن ملایم تری گرفت و در واقع به تأیید تلاش ها و اقدامات دولت برای رسیدن به ریشه های بمب گذاری پرداخت. این تغییر لحن همزمان بود با آغاز بحران مالی در آمریکای جنوبی و خراب شدن وضع بانک مایو که براها ریاستش را به عهده داشت. در آغاز سال ۱۹۹۷ در بین بسیاری از یهودیان آرژانتین شایعات منفی نسبت به روابط نزدیک و دوستانه بین براها، پرزیدنت میم و وزیر کشور او رواج یافته بود. در سال ۲۰۰۱، درستی این شایعات با فاش شدن این واقعیت تأیید شد که بانک مایو اعتبارات سخاوتمندانه ای از بانک مرکزی آرژانتین دریافت کرده بود.¹⁰⁴ این مبلغ در حد قابل ملاحظه ای بیشتر از اعتباراتی بود که بانک های مشابه بانک مایو دریافت کرده بودند. اندکی بعد براها و رئیس بانک مرکزی آرژانتین، پدرو پو، به اتهام دست زدن به معاملات غیرموجه مالی دستگیر شدند.

با این همه، حاصل تحقیقات اولیه ۵۶۸ پرونده شامل ۶۰۰،۱۱۳ برگ بود.¹⁰⁵ افزون بر این، اداره اطلاعات دفتر رئیس جمهور آرژانتین نیز ۱۵۰۰ پرونده جداگانه شامل اطلاعات و اسناد گوناگون درباره انفجار، از جمله

¹⁰⁰ همانجا.

¹⁰¹ همانجا.

¹⁰² ن.ک. به:

<http://www.memoriaactiva.com/oea.htm> (Spanish text)

¹⁰³ بر خلاف آمیا، که یک مرکز همیاری بود، «سازمان انجمن های یهودیان آرژانتینی» معمولاً به تنظیم روابط بین جامعه یهودیان و دولت آرژانتین می پرداخت.

¹⁰⁴ پرونده آمیا.

¹⁰⁵ همانجا.

نوار گفت و گوهای تلفنی ضبط شده داخلی و بین المللی بین افراد مظنون به شرکت در بمب گذاری.¹⁰⁶ گالیانو از ابتدا جریان رسیدگی را بر ایران متمرکز ساخت و در عین حال تحقیق در باره عوامل محلی و اعضای پلیس بوئنوس آیرس را نیز ادامه داد.¹⁰⁷ سرانجام، او برای تلدین، ریبلی، رائل ایبارا، آناستازیو لیل و ماریو باریرو و نیز برای ۱۲ نفر آرژانتینی دیگر و ۱۲ تن ایرانی از جمله سفیر ایران در آرژانتین، هادی سلیمانی پور، به خاطر نقشی که در بمبگذاری ایفا کرده بودند ادعاینامه هائی صادر کرد.¹⁰⁸ گانیانو، اما مسئولیت حمله را بر دوش مأموران خودسر جمهوری اسلامی نهاد و در گزارشش هیچ یک از رهبران رژیم را نام نبرد. در سال ۱۹۹۹ حکم جلب عماد مغنیه نیز صادر شد.

ب) نافرجامی بررسی های نخستین

در سال ۲۰۰۳، هنگامی که رئیس جمهور آرژانتین، نستور کیرشنر، به سازمان امنیت و اطلاعات آرژانتین دستور داد تا پرونده های مربوط به بمبگذاری را باز کند و از اعضایش بخواهد که برای ادای شهادت آماده باشند، روند تحقیقات جانی تازه یافت. اما چند ماهی بیشتر نگذشت که جریان بررسی قضیه به بن بست رسید. سبب اصلی متهم شدن قاضی پرونده، گالیانو، به تخلف از اصول باز جوئی و کشف مدارک جرم بود. از جمله اتهامات می توان به رشوه دهی به گواهان، بهره جوئی از شیوه های خشونت آمیز هنگام بازپرسی و دستکاری در نتایج تحقیقات اشاره کرد. این اتهامات به آزاد شدن متهمان محلی، بی اعتبار دانستن بسیاری از آثار و مدارک گردآوری شده و برکنار کردن و تعقیب شخص گالیانو منجر شد.¹⁰⁹ وی به تخلف سنگین از موازین دادرسی و سوء استفاده از قدرت در خدمت منافع سیاسی نامعلوم متهم شده بود.¹¹⁰ تخلفات گالیانو از جمله شامل ضبط غیرقانونی گفت و گوهای تلفنی متهمان با وکلای آنها، پرداخت پول در ازای دسترسی به اطلاعات مشخص، دادن وعده های غیرقانونی و وادار کردن زندانیان به اقرار، انجام دیدارهای مخفیانه، و از بین بردن متن کتبی شهادت گواهان می شد.¹¹¹

Escude and Gurevich "Limits to Governability.
Kiernan, Seeking the Truth.

Brian Byrnes, "Acquittals in '94 Attack Spurs Protests by Argentina's Jews", *Washington Post*, 9 September 2004.

<http://www.clarin.com/diario/2005/08/03/um/m-1026385.htm>
Kiernan, Seeking the Truth

¹⁰⁶ همانجا.

¹⁰⁷ ن.ک. به:

¹⁰⁸ ن.ک. به:

¹⁰⁹ ن.ک. به:

¹¹⁰ ن.ک. به:

¹¹¹ ن.ک. به:

در این میان، پرداختن ۴۰۰۰۰۰ دلار به کارلوس تلدین، در ازای ادای شهادت علیه اعضای پلیس آرژانتین، سنگین ترین اتهام علیه گالیانو بود.¹¹² جمهوری اسلامی اتهامات علیه گالیانو و محاکمه اش را دلیل بر ساختگی بودن اتهامات در باره نقش ایران در بمب گذاری قلمداد کرد. به هر حال، انگیزه گالیانو نه پرونده سازی برای جمهوری اسلامی بلکه جلوگیری از ادامه تحقیقاتی بود که می توانست به افشای دامنه فساد در بالاترین سطوح دولت آرژانتین انجامد. ادامه فساد در میان مراکز امنیتی و اطلاعاتی آرژانتین و نیز در ارتباط مینم با سوریه برخی از ناخوشایندترین این افشاگری ها می توانستند باشند.

یک. تنش در روابط با مقامات امنیتی

علی رغم تبدیل ساختار نظامی حکومت آرژانتین به یک ساختار دموکراتیک، نیروهای امنیتی این کشور، که در دوران حکومت ارتشیان مصون از کنترل دولت و بی اعتنا به موازین قانونی، به سرکوب کردن چریک های چپ و هواداران آن ها پرداخته بود، هنوز در حد قابل ملاحظه ای خودمختاری داشت.¹¹³ افزون بر این، شهرت داشت که واحد های امنیتی گرایش های دست راستی و ضد یهودی دارند.¹¹⁴ مینم، که روابطش با این نیروها از آغاز با تنش آمیخته بود، از رویارویی با آن ها خودداری می کرد حتی پس از روبرو شدن با اسناد شرکتشان در قضیه بمب گذاری.¹¹⁵ نهادهای اطلاعاتی آرژانتین هم از انجام ردیابی های جدی برای یافتن مرتکبان اصلی اکراه داشتند. با انگشت گذاشتن بر ریملی و دیگران، تلاش گالیانو بر آن بود سازمان امنیت کشور را از اتهام بی کفایتی تبرئه کند. طبق شهادت یکی از دستیارانش، این سازمان از هنگام بمب گذاری در سفارت آرژانتین دیپلمات های ایرانی را زیر نظر داشت و حتی از ربانی هنگام خرید وانت عکس گرفته بود.¹¹⁶ گالیانو بعدها اعتراف کرد که پولی را که به عنوان رشوه به تلدین داده بود از سازمان امنیت آرژانتین گرفته بود.¹¹⁷

دو. دوستان ناباب مینم

مینم، سوای پرهیزش از دشمن تراشی در بین کارمندان سازمان های امنیتی و اطلاعاتی، مایل نبود که ادامه تحقیقات گسترده در قضیه بمباران توجه عامه را به روابطش با برخی از اتباع بد سابقه سوریه را جلب کند. در

Escudé and Gurevich, "Limits to Governability"

David Pion-Berlin and George A. Lopez, "Of Victims and Executioners: Argentine State Terror, 1975-1979," *International Studies Quarterly* 35, no. 1 (March 1991).

Escudé and Gurevich, "Limits to Governability."
Kiernan, *Seeking the Truth*

¹¹². پرونده آمیا.

¹¹³. ن. ک. به:

¹¹⁴. ن. ک. به:

¹¹⁵. ن. ک. به:

¹¹⁶. ن. ک. به:

¹¹⁷. ن. ک. به. پرونده آمیا.

بین این افراد مهم ترینشان منظر الکسار پسر یکی از متحدان حافظ الاسد بود که به داد و ستد در قاچاق اسلحه شهرت داشت.¹¹⁸ وی از خویشان دور مینم هم بود و پس از رسیدن او به ریاست جمهوری توانست در مدت کوتاه بی سابقه ای به یک گزرنامه آرژانتینی دست یابد.¹¹⁹ در آرژانتین وی در خریدن لوازم برای پیشرفت برنامه ساختن موشک کرکس ۲ نقشی قابل ملاحظه بازی کرد.¹²⁰ رابطه مینم با ابراهیم الابرهم از مورد قبلی نیز حساس تر بود. وی که در سازمان اطلاعاتی سوریه قبلاً درجه سرهنگی داشت نه تنها گزرنامه آرژانتینی گرفت بلکه به مقام مشاور ویژه اداره گمرک آرژانتین نیز دست یافت بی آن که حتی بتواند به اسپانیایی حرف بزند.¹²¹ دوره اقامت الابرهم در آرژانتین با قضیه «اداره گمرک موازی» همزمان بود. این قضیه مربوط به تحقیقات در باره ورود ۲۲ هزار صندوقی می شد که بین ۱۹۹۰ و ۱۹۹۶ با اسناد جعلی و پلمب های ساختگی وارد بندر آرژانتین در بونئوس آیرس شده بود.¹²² بسیاری از این صندوق ها موقتاً در انباری گذاشته شدند که در کنترل فرد مشکوکی به نام الفردو یابران قرار داشت که از نسل آرژانتینی های سوریه تبار بود. یابران قراردادی با دولت آرژانتین بسته بود که بر اساس آن مدیریت انبارهای کالاهای گمرکی فرودگاه های اصلی آرژانتین را برای اجرای یک طرح مشترک نظامی-غیرنظامی بر عهده داشت.¹²³ یابران از دوربین عکاسی بی اختیار می رمید و ادعا می کرد که یک پستیچی بیش نیست. اما، تحقیقاتی که به دستور وزیر اقتصاد، دومینگو کاویو، انجام گرفته بود تأیید شد که درآمد شرکت های متعدد تحت کنترل یابران به میلیون ها دلار در سال می رسید. دیری نگذشت که وی با گلوله ای "که خود به مغزش شلیک کرده بود" کشته شد.¹²⁴

پ) آغاز تحقیقات تازه

پس از برکناری گالیانو، تحقیقات تازه ای در دو مورد آغاز شد. در مورد اول، تحقیقات در ادامه کارهای گالیانو و برای کشف هویت کسانی بود که در بمب گذاری شرکت داشتند. هدف تحقیقات دوم پی بردن به ابعاد فساد مرتبط با پرونده بمب گذاری بود. سرپرستی تحقیقات اولی را آلبرتو نیسمان، دادستان حوزه قضائی محل بر عهده داشت. فعالیت های وی در این زمینه وقتی به نتیجه رسید که در نوامبر ۲۰۰۷ پلیس بین المللی (اینترپل) قرار دستگیری

¹¹⁸ ن. ک. به:

Escudé and Gurevich, "Limits to Governability." See also, Benjamin Weiser, "Two Arms Dealers Convicted of Plot to Aid Terrorists," *New York Times*, 20 November 2008.

¹¹⁹ ن. ک. به:

Blanca Madani, "New Report Links Syria to 1992 Bombing of Israeli Embassy in Argentina", *Middle East Intelligence Bulletin*, March 2000.

¹²⁰ همانجا.

¹²¹ ن. ک. به:

Escudé and Gurevich, "Limits to Governability."

Madani, "New Report Links Syria to 1992 Bombing."

¹²² ن. ک. به:

"The Rise and Fall of Yabran", *Latin Trade*, August 1998.

¹²³ ن. ک. به:

"A Grim Argentine Melodrama", *New York Times*, 21 May 1998

¹²⁴ ن. ک. به:

شش تن از متهمان را صادر کرد: علی فلاحیان، وزیر سابق اطلاعات، محسن رضائی، فرمانده سپاه پاسداران، عماد فیاض مغنیه، محسن ربّانی، احمد رضا اصغری، و احمد وحیدی. گرچه ایران ضمن رد کامل این اتهامات، اینترپل را به داشتن انگیزه های سیاسی متهم کرد، اما قرارها همچنان به قوت قانونی خود ماندند.¹²⁵

۶. تجزیه و تحلیل حقوقی

الف) بمب گذاری «آمیای»: یک عمل تروریستی

گرچه رویدادهای یازده سپتامبر ۲۰۰۱ اسامه بن لادن و القاعده را زبان زد همگان کرد، جامعه بین الملل از سال های پایانی دهه ۱۹۶۰ و سال های آغازین دهه ۱۹۷۰، یعنی از زمانی که هواپیماربائی رواج یافته بود، کوشیده است تا مبارزه با تروریسم را در یک قالب تعریف کند. گرچه در این باره سخن ها فراوان رفته و پیمان های بسیار بسته شده اما تاکنون سخن به مرحله عمل و اجرا نرسیده است.¹²⁶ سبب اصلی را باید در نبود تعریفی از تروریسم دانست که مقبولیت بین المللی یافته باشد، به ویژه در ارتباط با جنبش های چریکی. همانگونه که اغلب گفته می شود «تروریست در چشم یکی سرباز آزادی در چشم دیگری است.» به سخن دیگر، این پرسش که چه کسی یا گروهی را می توان تروریست شمرد سال هاست که در گرو اختلافات سیاسی ریشه دار بی پاسخ مانده. پاسخ به این پرسش به ویژه در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دشوار بود که جنبش های رهائی بخش در آسیا و آفریقا در اوج خود قرار داشت. اختلاف در مورد طبقه بندی جنبش ها در مورد تعریف فعالیت های تروریستی هم صادق بود. به این ترتیب، گرچه تعریف واحد و پذیرفته شده ای از تروریسم به دست نیامده است، به نوعی توافق کلی در این مورد می توان اشاره کرد. بر طبق تعریفی که مجمع عمومی سازمان ملل به دست داده است «تروریسم عمل خشونت آمیز و اضطراب انگیزی است که از سوی افراد، گروه ها و دولتها، به دلایل سیاسی، مالی یا جنائی روی می دهد و در آن برخلاف سوء قصد به جان فرد یا گروه مشخصی- آماج خشونت تنها هدف اصلی نیست. بنابر تعریف مجمع عمومی از تروریسم: «هر عمل خشونت آمیز که به قصد هراس افکنی در کل جامعه، در میان گروه

¹²⁵ ن. ک. به.

“Interpol Issues Warrant Against Five Iranians over Attack in Argentina,” *BBC Worldwide Monitoring*, 8 November 2007.

¹²⁶ ن. ک. به.

Convention on Offenses and Certain Other Acts Committed on Board Aircraft, 14 September 1963, 3 U.S.T. 2941 (Tokyo Convention); Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, 16 December 1970, 22 U.S.T. 1641 (Hague Convention of 1970); Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Civil Aviation, 23 September 1971 (Montreal Convention); Convention on the Prevention of Crimes Against Internationally Protected Persons, Including Diplomatic Agents, G.A. Res. 3166 (1973); International Convention Against the Taking of Hostages, G.A. Res 34/146; Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Marine Transportation, 27 I.L.M. (1998); International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, G.A. Res. 109 (1999); International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings, 37 I.L.M. 249 (1998)

یا افرادی مشخص برای رسیدن به هدف یا هدفهای سیاسی به هر دلیل و با هر شرایطی غیر قابل توجیه است و هیچ ملاحظه ای اعم از سیاسی، فلسفی، مکتبی، نژادی، قومی و مذهبی نمی تواند آن را موجه سازد.»

بسیاری از کشورها نیز از تروریسم تعریف خود را ارائه کرده اند. به عنوان نمونه، وزارت خارجه ایالات متحد آمریکا تروریسم را چنین تعریف کرده است: «عمل خشونت آمیز عمدی گروهی غیردولتی یا عوامل مخفی است که به انگیزه های سیاسی علیه مردم غیر نظامی و به قصد اثر گذاری بر مخاطبان مشخصی اجرا می شود.» تعریف دولت فرانسه از تروریسم از تعریف وزارت خارجه آمریکا دامنه گسترده تری دارد. این تعریف شامل همه اعمالی است که: «به عمد از سوی یک فرد یا گروهی از افراد به قصد تضعیف نظم و امنیت از راه هراس افکنی» انجام شود. شاید بتوان با تلفیق تعاریف گوناگون تروریسم را اعمال خشونت سیاسی علیه مردم غیر نظامی دانست.

رسیدن به یک تعریف رسمی از تروریسم گرچه همچنان کاری دشوار است، بمب گذاری در آمیا را بدون تردید می توان عملی تروریستی نامید. هیچ یک از عناصری که معمولاً در تعریف تروریسم مشکل آفرین است در بمب گذاری مورد بحث وجود نداشت. آرژانتین سرزمین دیگران را اشغال نکرده بود و با هیچ مردمی که در پی خودمختاری باشند ستیزی نداشت. افزون بر این، هدف اصلی بمبگذاران مردم غیر نظامی بودند. هدف نه یک پایگاه نظامی بود یا محلی که به نوعی با نیروهای نظامی آرژانتین ارتباطی داشته باشد. قربانیان همگی مردم عادی بودند. از همین رو، هدف بدون تردید می بایست هراس افکنی بوده باشد.

ب) بمب گذاری «آمیا»: جنایتی علیه بشریت

گرچه مصداق جنایات علیه بشریت به طور متعارف اعمال وحشیانه ای است که اغلب در جنگ های گسترده روی می دهد، این جنایات را باید بخشی مهم و متحول از حقوق بین الملل عمومی شمرد. در واقع، پس از حمله های خصمانه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، شماری از مفسران حقوقی پیشنهاد کرده اند که برخی از اعمال تروریستی را نیز باید در شمار جنایات علیه بشریت دانست.¹²⁷ با عنایت به تحول تعریف جنایات علیه بشریت و بهره جویی از تعریف پذیرفته شده آن، تردید نمی توان کرد که بمب گذاری در آمیا جنایتی علیه بشریت بوده است.

¹²⁷ ن. ک. به.

Vincent-Joel Proulx, "Rethinking the Jurisdiction of the International Criminal Court in the Post-September 11th Era: Should Acts of Terrorism Qualify as Crimes Against Humanity," *American University International Law Journal* 19, no. 5 (2004), 1009-1089. See also, James D. Fry, "Terrorism as a Crime Against Humanity and Genocide: The Backdoor to Universal Jurisdiction," *UCLA Journal of International Law & Foreign Affairs* 169, (Spring/Summer 2002).

اول. پیشینه تاریخی

گرچه به احتمال زیاد مفهوم جنایت علیه بشریت عمری به درازای عمر جوامع انسانی دارد، در بخش ۴ مقدمه کنوانسیون لاهه، «در باب قوانین و عرف جنگ زمینی» بود که این مفهوم عینیت حقوقی یافت.¹²⁸ اما، پس از نزدیک نیم قرن، و در زمان تشکیل دادگاه های نورنبرگ و توکیو در پایان جنگ جهانی دوم، در ماده ششم «منشور نورنبرگ» بود که جنایات علیه بشریت به روشنی تعریف شد:

"قتل، نسل کشی، برده داری، تبعید و دیگر اعمال غیرانسانی که مردمان غیرنظامی را، پیش از جنگ یا در طول آن، هدف قرار دهد، یا محاکمه افراد غیرنظامی به دلائل سیاسی، نژادی یا مذهبی در ارتباط با جرائمی که رسیدگی به آن ها در حوزه صلاحیت دادگاه نورنبرگ قرار دارد، حتی اگر این اعمال در قوانین داخلی کشوری که در آن صورت گرفته اند جرم تلقی نشده باشند."

انگیزه اصلی متفقین در گنجاندن جنایات علیه بشریت در اعدانامه هائی که علیه متهمان آلمانی صادر می کردند این بود که اگر منحصرأ به جنایاتی که در قوانین جنگی تعریف شده اند بسنده می شد برخی از اعمالی که مسئولان رژیم فاشیستی آلمان مرتکب شده بودند بی کیفر می ماند، از جمله رفتار جنایتکارانه نسبت به اتباع آلمان یا ساکنان کشورهای هائی که در جنگ جهانی دوم متحد رایش سوم بودند.¹²⁹ افزون براین، برخلاف نسل کشی، قصد عمد از عناصر تشکیل دهنده جنایت علیه بشریت به شمار نمی رود.¹³⁰ با حذف عنصر نیت به عنوان یکی از عناصر جرم، نیازی به اثبات قصد متهم به کشتن اعضای گروه خاصی نیست.¹³¹ بدون یادآوری عناصر ویژه جنایت علیه بشریت به دشواری می توان محاکمه مرتکبان نقض حقوق بشر را، به عنوان جرمی تعریف شده در قانون، توضیح داد.

¹²⁸ ن. ک. به.

Beth Van Schaack & Ronald Slye, *International Criminal Law and Its Enforcement*, (Foundation Press 2007), 354. Identified as the Martens Clause it stated that, "until a more complete code of the laws of war has been issued, the High Contracting Parties deem it expedient to declare that, in cases not included in the Regulations adopted by them, the inhabitants and the belligerents remain under the protection and the rule of the principles of the law of nations, as they result from the usages established among civilized peoples, from the laws of humanity, and the dictates of the public conscience."

¹²⁹ همانجا.

¹³⁰ ن. ک. به.

Vincent –Joel Proux, "Rethinking the Jurisdiction of the International Criminal Court in the Post-September 11th Era," 1043.

¹³¹ همانجا. مقصود از «نیت مشخص» آن حالت ذهنی است که نسل کشی را از دیگر جنایات هائی که با نیت قبلی ارتکاب می یابند متمایز می کند.

دو. قانون حاکم

از آنجا که در دهه های نخستین پس از جنگ جهانی دوم، تعریف جنایات علیه بشریت، برخلاف تعریف نسل کشی، آپارتاید و شکنجه، در هیچیک پیمان های بین المللی نیامده است، «باید آن را در حقوق بین الملل عرفی و سایر منابع مناسب جست و جو کرد.»¹³² به سخن دیگر، به تعریف دقیق و امروزی جنایت علیه حقوق بشر با رجوع به قراردادهای بین المللی، آراء دادگاه های ملی و بین المللی و نوشته های حقوقدانان می توان دست یافت. دو رویداد مجزا اما مرتبط با یکدیگر در اواخر دهه ۱۹۹۰ به پیدایش تعریفی قابل قبول برای اکثریت دولت های جهان کمکی مؤثر رساند: نقض گسترده حقوق بشر در یوگوسلاوی سابق و رواندا، و تشکیل دادگاه بین المللی کیفری.

الف. یوگوسلاوی و رواندا

نسل کشی و هدف قرار دادن مردم غیر نظامی در یوگوسلاوی سابق شورای امنیت سازمان ملل متحد را برانگیخت تا با صدور قطعنامه شماره ۸۲۷، به تشکیل دادگاه بین المللی کیفری برای رسیدگی به جرائم روی داده در یوگوسلاوی اقدام کند. این دادگاه، در شهر لاهه، صلاحیت جلب و محاکمه افرادی را دارد که به نسل کشی و یا ارتکاب جنایت علیه بشریت و یا نقض مواد کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو یا دیگر پیمان های مربوط به قوانین جنگ متهم شده اند. جنایات علیه بشریت در ماده ۵ منشور د. ب. ک. ی. تعریف شده اند. بر اساس این منشور دادگاه «صلاحیت محاکمه افرادی را دارد که در حین جنگ- اعم از داخلی و بین المللی- مسئول ارتکاب جرائم زیر علیه مردم غیر نظامی متهم شده اند: قتل، نسل کشی، برده داری، تبعید، توقیف، شکنجه، تجاوز جنسی، تعقیب و آزار افراد بر اساس تعلقات سیاسی، نژادی و مذهبی آنان، و دیگر رفتارهای غیر انسانی.»¹³³ دادگاه بین المللی کیفری رواندا در سال ۱۹۹۴ بر اساس قطعنامه شماره ۹۵۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد، در واکنش به قتل عام پانصد هزار تن از اعضای قوم هوتو در همین سال، تشکیل شد. ماده ۳ منشور دادگاه بین المللی کیفری رواندا، با تکیه بر جرائم قید شده در منشور دادگاه بین المللی کیفری یوگوسلاوی، جنایات علیه بشریت را جنایاتی می شمرد که «در هنگام تجاوز گسترده علیه مردم غیر نظامی، به خاطر ویژگی های ملی، سیاسی، نژادی، یا قومی آنان، ارتکاب شده باشد.»¹³⁴

¹³² ن. ک. به.

Steven Ratner and Jason Abrams, *Accountability for Human Rights Atrocities in International Law*, 2nd ed. (Oxford University Press, 2001).

¹³³ ن. ک. به.

Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, as amended by UN Security Council Resolution 1411 (2002) (U.N. Doc. S/RES/1411).

¹³⁴ ن. ک. به.

Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda (1994) (U.N. Doc. S/RES/966).

گرچه جرائم قید شده در منشور هردو دادگاه یکسان به نظر می‌رسند، تفاوت‌های مهمی نیز بین آن دو به چشم می‌خورد. ماده ۵ منشور دادگاه یوگوسلاوی تأکید می‌کند که جنایت باید در حین جنگ، چه داخلی و چه بین‌المللی، روی داده باشد، در حالی که ماده ۳ منشور دادگاه رواندا شامل چنین قیدی نیست و تنها این شرط را لازم می‌شمرد که جنایت «در حین یک حمله گسترده و سازمان‌یافته علیه مردم غیر نظامی به خاطر ویژگی‌های ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی آنان روی داده باشد». ضرورت اثبات حمله گسترده و سازمان‌یافته در تعریف اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی به چشم نمی‌خورد.

ب. دادگاه بین‌المللی کیفری

دادگاه بین‌المللی کیفری در پی تشکیل دادگاه‌های اختصاصی، که صرفاً برای رسیدگی به رویدادهایی رواندا و یوگوسلاوی سابق تشکیل شده بود، ایجاد شد. این دادگاه تابع اصول و موازین مندرج در اساسنامه رم است که در ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۹۸ به امضا رسید و در اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ قوت قانونی یافت. صلاحیت این دادگاه تنها در مورد جرائمی است که از اول ژوئیه ۲۰۰۲ روی داده باشد. با این همه، به سبب شهرتی که دادگاه دادگستری بین‌المللی به عنوان نخستین دادگاه دائمی صالح برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی یافته است، متن اساسنامه این دادگاه و تعاریفی که در آن آمده به یقین در تحولات آینده حقوق بین‌الملل کیفری تأثیری قابل ملاحظه خواهند داشت. در واقع، تعریف دادگاه قضائی بین‌المللی از جنایات علیه بشریت بر اساس قوانین موجود بنا شده و نه بر پایه تحول این قوانین.^{۱۳۵} در نتیجه، تعریف و تفسیر جنایات علیه بشریت را، که در ماده ۹ اساسنامه رم آمده، باید منبعث از حقوق بین‌الملل شمرد.^{۱۳۶} در این تعریف، جنایت علیه بشریت مرکب از چهار عنصر است: (۱) نقض یکی از پیمان‌های یاد شده؛ (۲) جنایت به گونه‌ای گسترده و سازمان‌یافته ارتکاب شده باشد؛ (۳) قربانیان جنایت مردم غیرنظامی بوده باشند؛ (۴) جنایت با علم و آگاهی قبلی مرتکب یا مرتکبین ارتکاب شده باشد.^{۱۳۷}

پ. عناصر اصلی جنایت

تعریفی که دیوان بین‌المللی دادگستری از جنایات علیه بشریت به دست می‌دهد در مواردی از تعاریف اساسنامه دادگاه‌های رواندا و یوگوسلاوی وسیع‌ترند. همانند اساسنامه دادگاه رواندا، اساسنامه دیوان نیز اشاره به رویارویی مسلحانه را که در اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی سابق آمده حذف می‌کند. اما، برخلاف اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی، دیوان بین‌المللی دادگستری به این که قربانیان باید بر اساس تمایلات ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا

^{۱۳۵}. ن. ک. به.

Ratner & Abrams, Accountability for Human Rights Atrocities Under International Law, 50.

Doe v. Alvaro Rafael Sravia, 348 F. Supp. 2d 1112 (E.D. Cal. 2004)

^{۱۳۶}. ن. ک. به:

^{۱۳۷}. ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری. اعمال یاد شده عبارت‌اند از: (آ) قتل؛ (ب) نسل‌کشی؛ (پ) برده‌داری؛ (ت) زندانی یا محروم کردن فرد از آزادی که نافض اصول بنیادی حقوق بین‌الملل باشد؛ (ث) شکنجه کردن؛ (ج) تجاوز به عنف، برده‌داری جنسی، اجبار فرد به روسپی‌گری، باردار کردن به اجبار، عقیم کردن به اجبار یا هر نوع خشونت جنسی مشابه دیگر؛ (چ) ایدز و آزار گروهی از افراد به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی، به تعریف پاراگراف ۳، و یا به هر دلیل دیگری مغایر با اصول و موازین حقوق بین‌الملل باشد یا هر جرم دیگری که رسیدگی به آن در صلاحیت این دادگاه قرار دارد؛ (ح) انتقال اجباری فرد به نقاط نامعلوم؛ (خ) برقراری نظام آپارتاید؛ (د) ارتکاب هر عمل مشابه و غیرانسانی دیگری به قصد وارد آوردن آسیب‌های وخیم بدنی و یا روانی بر فرد.

مذهبی آنان مورد حمله قرار گرفته باشند اشاره نمی‌کند. حذف رویارویی مسلحانه به عنوان یکی از عناصر جرم از تعریف دیوان بین‌المللی را باید ره نشانه‌ای مهم شمرد. با اصرار بر ارتباط بین جنایت علیه بشریت و مقابله مسلحانه، دادگاه نورنبرگ به جرائمی که دولت آلمان قبل از آغاز مخاصمت‌ها در سال ۱۹۳۹ مرتکب شده بود از حوزه صلاحیتش حذف کرد. گرچه دادگاه پذیرفت که «ایذاء، سرکوبی و قتل افراد غیرنظامی» به دستور دولت آلمان عملی مستمر و سازمان‌یافته بود، با این همه به اکراه چنین نتیجه گرفت که «جرائمی را که پیش از آغاز جنگ دوم ارتکاب شده‌اند در صورتی می‌توان جنایات علیه بشریت شمرد که در حوزه صلاحیت دادگاه رخ داده باشند.»¹³⁸ حتی قبل از رسمی شدن اساسنامه رم، در باره اطلاق عنوان جنایات جنگی به جرائمی که در دوران صلح ارتکاب می‌شوند اتفاق آراء وجود نداشت. برخی از دولت‌هایی که جنایات جنگی را در قوانین داخلی خود تعریف کرده‌اند، اسرائیل، بلژیک و انگلستان، همزمانی این جنایات با جنگ را عنصر لازم نشمرده‌اند.¹³⁹ افزون بر این، بحث‌هایی که هنگام عقد کنوانسیون مرور زمان (۱۹۶۸) صورت گرفت مؤید این نکته بود که دولت‌ها وقوع جنایات علیه بشریت را در دوران صلح نیز ممکن می‌شمرند.¹⁴⁰ دادگاه بین‌المللی جنایت علیه بشریت در یوگوسلاوی، با در نظر گرفتن تحولاتی که در تعریف جنایات علیه بشریت روی داده است، در رأی خود تأکید کرد که، با توجه به اوضاع و احوال استثنائی حاکم بر دادگاه نورنبرگ، «دلیل منطقی یا حقوقی برای مرتبط ساختن جنگ با جنایات علیه بشریت وجود ندارد و دولت‌ها در قوانین داخلی خود نیز ضرورت وجود چنین ارتباطی را حذف کرده‌اند.»¹⁴¹

با طرد ضرورت وجود ارتباط بین جنگ و جنایات علیه حقوق بشر، عبارت «گسترده و مرتب» به احتمال زیاد محمل کشمکش‌های حقوقی خواهد شد. تاکنون، اما، این عبارت تعریف حقوقی دقیقی نیافته است گرچه بسیاری از مفسران حقوقی و قضات دادگاه‌های بین‌المللی به این توافق رسیده‌اند که مقصود از این عبارت حذف جرائم تصادفی از رده جنایات علیه بشریت است. در زبان غیر حقوقی، «منظم» به معنای «روشنمندی در برنامه‌ریزی یا در عمل» و در «جامعیت و ترتیب کار» است.¹⁴² بنابراین، مهم‌ترین ملاک در تعریف جنایات علیه بشریت این

¹³⁸ ن. ک. به: International Military Tribunal (Nuremberg), Judgment and Sentences, 1 October 1946.

¹³⁹ ن. ک. به: Ratner & Abrams, Accountability for Human Rights Atrocities under International Law, 50

¹⁴⁰ همان، ص ۵۴.

¹⁴¹ ن. ک. به:

U.N. Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes Against Humanity, 660 U.N.T.S. 195. Eliminating the statute of limitations for crimes against humanity "whether committed in time of war or in time of peace as they are defined in the Charter of the International Military Tribunal." (Treaty entered into force in 1970 but has been ratified by only 50 countries.)

The Merriam-Webster English Dictionary

¹⁴² ن. ک. به:

است که آیا عمل یا عملیات ارتكابی را می توان «بخشی از یک سیاست کلی یا نمودی از رفتار مستمر غیرانسانی دانست یا برعکس تک نشانه ای از رفتار گهگاه بی رحمانه یا شرارت بار».¹⁴³

در تعریف اساسنامه رم «سیاست کلی باید با ایجاد نهادهای خاص و تخصیص منابع لازم برای اجرای آن» همراه باشد.¹⁴⁴ آنچه مسئله را بغرنج تر می کند تعریف اساسنامه از کشتار غیرنظامیان است: «ارتكاب مکرر اعمال قید شده در پاراگراف ۱ علیه مردم غیرنظامی به پیروی از سیاست دولتی یا سازمانی».¹⁴⁵

با این همه، می توان استدلال کرد که این تعریف مسئولیت بالقوه دولتی را که به ارتكاب اعمال قید شده در اساسنامه رم دست می زند گسترده تر می کند. زیرا با تمرکز بر تکرار منظم جرم و نه بر هدف ارتكاب جرم، اعم از گروه یا بخشی خاص از مردم غیرنظامی، اساسنامه به دادستان اجازه می دهد که، برای اثبات ارتكاب جنایت علیه بشریت، بر تکرار عمل غیرقانونی مرتکب تمرکز کند و نه بر گروهی که آماج جنایت قرار گرفته است.

سه. قانون حاکم بر قضیه «مرکز همیاری»

بمب گذاری در ساختمان آمیا، بر اساس هر معیار شناخته شده در حقوق بین الملل، مصداق جنایت علیه بشریت بود. این جنایت دارای بیشتر ویژگی های تعریف شده در دادگاه های بین المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق و شرایط چهارگانه مندرج در اساسنامه دادگاه بین المللی دادگستری بود. ویژگی های یکم و سوم قید شده در اساسنامه رم نیز آشکارا این جنایت را رقم می زد؛ جنایتی که به مرگ ۸۵ تن از قربانیانش انجامید. تردید نمی توان کرد که این کشتار با نیت و علم قبلی صورت گرفته بود زیرا استفاده از مواد منفجره برای ویران کردن ساختمانی بزرگ با ساکنان بسیار بدون نیت قبلی قابل تصور نیست. این واقعیت را نیز که ساکنان ساختمان غیرنظامی بودند نمی توان انکار کرد. بونئوس آیرس در حوزه یک رویارویی مسلحانه قرار نداشت و آمیا نه یک نهاد دولتی یا سیاسی بود و نه با هیچ نهاد نظامی، انتظامی یا اطلاعاتی مرتبط.

بر پایه ویژگی چهارم اساسنامه رم، یعنی علم قبلی، است که می توان افرادی را که نقشی فرعی و غیر مستقیم در بمب گذاری داشته اند از طراحان و مرتکبان اصلی جنایت جدا کرد. به احتمال بسیار، دستیاران آرژانتینی مرتکبان خارجی متهم به جنایت جنگی نخواهند شد مگر از نقشه منفجر کردن ساختمان آمیا اطلاع قبلی داشتند. حتی مدارک غیرقابل انکار هم، که ارتباط دستیاران آرژانتینی را با وانت یا مواد منفجره اثبات کند، کافی برای

¹⁴³. ن. ک. به.

Antonio Cassese and others, eds., *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary* (Oxford University Press, 2002).

¹⁴⁴. ن. ک. به.

Ratner & Abrams, *Accountability for Human Rights Atrocities Under International Law*, 59-60. See also, *Prosecutor v. Mrksic* (ICTY, Case No. IT-95-13-R61), "as long as there is a link with the widespread or systematic attack against a civilian population, a single attack could qualify as a crime against humanity."

¹⁴⁵. ماده ۵، بند ۲ از اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری.

اثبات قصد قبلی که لازمه اثبات ارتکاب جنایت علیه بشریت است نخواهد بود.¹⁴⁶ بر پایه رأی دادگاه بین المللی یوگوسلاوی متهم باید از نقشه ارتکاب جرم اصلی آگاهی قبلی داشته باشد.¹⁴⁷ این آگاهی باید شامل پیش زمینه ارتکاب جرم هم باشد.¹⁴⁸ از چنین استدلالی محتملاً می توان در مورد مأموران و اعضای دون پایه حزب الله و جمهوری اسلامی هم، که بدون آگاهی از جزئیات و هدف نهائی نقشه، در ارتکاب جرم شرکت داشتند، استفاده کرد.¹⁴⁹ قضیه در مورد مقامات و عوامل رسمی جمهوری اسلامی و حزب الله که یا نقشی فعال در طرح برنامه داشتند و یا از وجود چنین برنامه ای مطلع بودند، نوعی دیگر خواهد بود. به سخن دیگر، کسانی که در اجرای نقشه دستی نداشته اند ولی در طراحی و برنامه ریزی آن سهیم بوده اند مجرم و قابل تعقیب اند. بر اساس تفسیر امروزی که نظر به پیشگیری از ارتکاب جرم دارد، تنها شرط مجرمیت «وجود ارتباطی محکم بین متهم و جرم ارتکاب شده است»¹⁵⁰ بنابراین، کسانی را که در مشهد و دیگر جاها در جلسه تصمیم گیری شرکت داشتند و با اجرای نقشه موافقت کردند، می توان به ارتکاب جنایت علیه بشریت متهم کرد.¹⁵¹ پرسش دیگر، در ارتباط با علم قبلی به قصد ارتکاب جنایت، این است که آیا جمهوری اسلامی را می توان مسئول اعمال اعضای حزب الله و یا ایرانیانی دانست که کارمند دولت ایران شمرده نمی شده اند؟ همانگونه که اشاره شد، رشته های محکم و متعددی جمهوری اسلامی را به حزب الله می پیوندند.¹⁵² با این همه، هر قدر این پیوندها از لحاظ سیاسی اهمیت داشته باشد، حزب الله بخشی، یا شعبه ای یا نماینده رسمی جمهوری اسلامی نیست. تنها با اثبات وجود نوعی از پیوندهای حقوقی بین این دو است که می توان جمهوری اسلامی را مسئول اعمال حزب الله دانست.¹⁵³ براساس موازین حقوق بین الملل، اعمال افراد عادی را نمی توان به دولت منتسب کرد مگر آن که «بین فرد و دولت ارتباط مشخص عینی وجود داشته باشد»¹⁵⁴

¹⁴⁶ در قوانین جزا عمل واحد ممکن است به مسئولیت های گوناگون بینجامد. به عنوان نمونه، اگر کسی بر اثر اصابت ماشین به قتل برسد و تصادف ناشی از غفلت راننده هنگام رانندگی بوده باشد، راننده ماشین مرتکب قتل عادی شده است. اما اگر راننده به عمد ماشین را به سوی عابر رانده باشد مرتکب قتل عمد شده است.

¹⁴⁷ *Tadic Judgment*, ¶ 692.

¹⁴⁸ *Prosecutor v. Zoran Kupreskie, et. al.* ¶ 556.

¹⁴⁹ چهل به جرم بودن عمل متفاوت است از ارتکاب جرم با علم اما به اکراه. در مورد اول چهل می تواند عنصری برای دفاع در برابر ارتکاب جرائم جنگی باشد. اما در مورد چنین دفاعی پذیرفته نیست.

¹⁵⁰ *Ratner & Abrams, Accountability for Human Rights Atrocities Under International Law*, 131-32.

¹⁵¹ همانجا.
¹⁵² ن. ک. به: پانوشته های ۱۶-۲۴.

¹⁵³ مسئولیت دولت مشابه اما مجزا از مسئولیت جزائی فردی است. مسئولیت دولت در مورد جرائم ارتکاب شده از سوی افراد عادی تنها در صورت وجود ضوابط خاص احراز می شود. مسئولیت شخصی فرد در مورد نقض برخی از اصول حقوق بین الملل قابل اثبات است.

¹⁵⁴ ن. ک. به.

Draft Articles on Responsibility of State for International Wrongful Acts, with Commentaries 2001, Article 8, ¶ 1.

«صدور دستور یا اجازه مشخص به فرد برای اجرای عمل یا اعمالی خاص» است که مسئولیت دولت را مسلم می‌کند.¹⁵⁵ با توجه به نکات و اصول یاد شده، بمب گذاری در ساختمان آمیا را باید مصداق روشنی از مسئولیت دولت دانست. برگزیدن آمیا به عنوان آماج حمله نمی‌توانست در حوزه اختیارات عوامل حزب الله یا اتباع غیر ایرانی باشد. این انتخاب در بالاترین مراجع تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی صورت گرفته بود. کسانی هم که در عمل بمب گذاری شرکت داشتند به دستورات مشخص این دولت عمل می‌کردند و از نهادهای رسمی آن یاری گرفته بودند. تنها عاملی که می‌تواند مانع از شناختن قضیه آمیا به عنوان مصداق جنایت علیه بشریت باشد شرط دوم اساسنامه رم است. این بمب گذاری با اعمال تروریستی دیگر همراه نبود، اما نمی‌توان آن را رویدادی منحصر به فرد و تصادفی شمرد. این حمله نمی‌توانست کار یک فرد یا گروهی از مأموران دولتی خودسر به تنهایی باشد بلکه حاصل برنامه ریزی و ارتباطات دقیق و کمک‌های پشتیبانی تصویب شده از سوی بالاترین مقامات جمهوری اسلامی بود و بدون دسترسی به منابع مالی قابل توجه و هماهنگی منظم عملی نمی‌شد. گذرنامه‌های جعلی، گزارش‌های محرمانه و تماس با افسران نظامی و مأموران پلیس باز نشسته شده (که برای دستیابی به مواد منفجره لازم بود) همگی دال بر دسترسی به منابع و امکانات دولتی اند. به سخن دیگر، بمب گذاری نتیجه اجرای یک برنامه دولتی بود و نه یک حاصل همکاری اتفاقی تنی چند از مأموران دون پایه و خودسر جمهوری اسلامی. افزون بر این، منفجر کردن ساختمان آمیا باید با توجه به کارنامه سی ساله جمهوری اسلامی در بهره‌جویی از خشونت برای مقاصد سیاسی، حتی در دیگر کشورها، بررسی شود. برپایه گزارش یک سازمان حقوق بشر، نقش کلیدی مقامات عالی رتبه وزارت اطلاعات و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب در قتل ۱۶۲ تن از شخصیت‌ها و رهبران مخالف رژیم جمهوری اسلامی، بیرون در بسیاری از کشورهای دنیا، محرز است.¹⁵⁶ با توجه به این که بسیاری از مخالفان رژیم از بیم جان در خفا فعالیت می‌کنند، به یقین این رقم نمی‌تواند شامل همه کشته‌شدگان باشد. رژیم‌های استبدادی دیگر نیز در تاریخ معاصر دنیا از کشتن مخالفان مهاجر یا پناهنده خود در دیگر کشورهای جهان پرهیز نکرده‌اند. اما از نظر تعداد قربانیان و شیوه‌های رسیدن به هدف کارنامه‌ای به ضخامت کارنامه جمهوری اسلامی نداشته‌اند.

در میان قربانیان این کشتار گسترده می‌توان از یک نخست‌وزیر سابق، رهبران کرد، اعضای سازمان مجاهدین خلق و اعضای خانواده شاه فقید ایران نام برد. این کشتارها پراکنده و بر اساس ملاحظات زودگذر نبوده بلکه برعکس از استراتژی سیاسی و امنیتی رژیم نشأت گرفته است. در واقع، شالوده‌های مذهبی و ایدئولوژیک یک حکومت اسلامی را خمینی در سال‌های پیش و پس از انقلاب جمهوری اسلامی سوی خمینی ریخته شد و پس از

Prosecutor v. Tadic, ¶ 132

¹⁵⁵ ن. ک. به:

¹⁵⁶ ن. ک. به:

Iran Human Rights Documentation Center, *No Safe Haven: Iran's Global Assassination Campaign* (New Haven, Connecticut, 2008), 7.

او نیز جانشینانش سیاست ها و برنامه های خویش را بر همان شالوده ها طراحی و اجرا کرده اند.¹⁵⁷ رهبران رژیم اعتقاد خود را به ضرورت بهره جویی از خشونت علیه مخالفان و معاندان واقعی و تخیلی شان هرگز پنهان نگه نداشته اند. در واکنش به تصمیم فرانسه به فرستادن هواپیماهای جنگنده به عراق در دوران جنگ با ایران، علی خامنه ای، رئیس جمهور وقت رژیم، اظهار داد که: «ما مسلماً به عمل دولت فرانسه در ارسال هواپیماهای اتاندار به عراق پاسخ خواهیم داد. . . . ما خود را برای دادن پاسخی دندان شکن به هر یک از اعمال خصمانه آن دولت آماده کرده ایم. . . . کسانی که قصد ضربه زدن به ما را دارند بدانند زودتر از آن که خیال می کنند از ما ضربه خواهند خورد.»¹⁵⁸

گذشته از شمار قربانیان، برنامه ترور و حذف مخالفان رژیم جمهوری اسلامی از نظر پهنه جغرافیایی اش نیز بی سابقه است. ایالات متحد آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، نروژ، سوئد، اتریش، ترکیه، لبنان، عراق، پاکستان، اندونزی، هند و ژاپن عرصه های اجرای این برنامه بوده اند.¹⁵⁹ بمب گذاری و سوء قصدهای انفرادی را می توان شیوه های مطلوب رژیم برای حذف مخالفانش دانست. گذشته از بمب گذاری ها در آرژانتین، لبنان و پاریس، رژیم در انفجارهایی که در کویت منافع و اتباع کشورهای غربی¹⁶⁰، و در عربستان سعودی تأسیسات نظامی آمریکا را هدف قرار داده بود، دست داشته است.¹⁶¹

گرچه جمهوری اسلامی پیوسته نقش خود را در اعمال خشونت آمیز در خارج از مرزهای ایران انکار کرده، بمبگذاری در مرکز آمیا نخستین باری نبوده که مقامات قضائی یک کشور خارجی اسنادی معتبر دال بر مشارکت ایران در این گونه خشونت ها را ارائه داده است.¹⁶² در اکتبر ۱۹۹۳، یک دادگاه آلمانی به محاکمه پنج نفر مظنون به شرکت در رویداد میکونوس پرداخت. این پنج نفر متهم بودند که، در سپتامبر ۱۹۹۲، چهار ایرانی مخالف رژیم جمهوری اسلامی را در یک رستوران یونانی در برلن به شیوه آدمکشانه حریفه ای به قتل رسانده اند. سه تن از قربانیان رهبران بلند پایه حزب دموکرات کردستان ایران بودند. این حزب خواستار خودمختاری

¹⁵⁷ ن. ک. به:

Haggai Ram, "Crushing the Opposition: Adversaries of the Islamic Republic of Iran," *Middle East Journal* 46, no. 3 (Summer 1992), 430-438

¹⁵⁸ جمهوری اسلامی، ۱۷ اوت ۱۹۸۳.

No Safe Haven, 7.

¹⁵⁹ ن. ک. به:

¹⁶⁰ ن. ک. به:

Thomas Friedman, "New Blasts; Master Plan?" *New York Times*, 13 December 1983.

¹⁶¹ ن. ک. به:

Jeffrey Smith, "Saudis Offer Data to U.S. Linking Extremists, Bomb; Iran Allegedly Backed Shiites in Dhahran Attack," *Washington Post*, 11 December 1996.

¹⁶² ن. ک. به:

"Iran: Intelligence Minister Denies Reports Implicating Iran in Acts of Terrorism," *BBC News Service*, 5 June 2000.

کردستان ایران و از سازمان های مخالف رژیم جمهوری اسلامی است.¹⁶³ گروه مأمور این کشتار شامل چند عضو وزارت اطلاعات ایران، چند ایرانی ساکن آلمان، و چند لبنانی منتسب به حزب الله و حزب عمل بود.¹⁶⁴ محاکمه نزدیک به سه سال و نیم به درازا کشید، و در ۲۴۶ جلسه برگزار شد. در این محاکمه ۱۷۶ شاهد گواهی دادند و پرونده های محرمانه امنیتی مورد بررسی قرار گرفت.¹⁶⁵ از جمله اقدامات امنیتی احتیاطی نصب اطاقکهای ضد گلوله شیشه ای برای متهمان و تور ضد نارنجک در بیرون در ورودی دادگاه و بازرسی بدنی مکرر و کلا و تماشاگران بود.¹⁶⁶ پیش از پایان محاکمه، یکی از بازپرسان دیوان عالی دولت فدرال آلمان، با صدور قرار دستگیری علی فلاحیان، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، جهان را حیرت زده کرد.¹⁶⁷ واکنش ایران که در اختطاری خشمگینانه به دولت آلمان خلاصه می شد مقامات قضائی این کشور را به پافشاری در مواضع پیشین برانگیخت. رأی نهائی دادگاه میکنونوس نیز کم از قرار بازپرس تکان دهنده نبود. دادگاه در این رأی ضمن محکوم کردن چهارتن از پنج متهم به ارتکاب جرم تأکید کرد که قتل ها به دستور «بالاترین مقامات دولتی» ایران ارتکاب شده.¹⁶⁸ به گفته رئیس دادگاه «آمر ارتکاب جنایت رهبری جمهوری اسلامی بوده است.¹⁶⁹

با ارزیابی فعالیت های رژیم جمهوری اسلامی در ربع قرن گذشته، نتیجه ای جز این نمی توان گرفت که منفجر کردن ساختمان آمیا نه جنایتی منحصر به فرد و استثنائی بلکه خشونت علیه مردم عادی و بی دفاع بود. بهره جویی از خشونت برای سرکوب مخالفان، اعم از فرد و گروه و ملت، جزء لاینفک برنامه جمهوری اسلامی است.

۷. نتیجه گیری

گرچه در نیم قرن گذشته حقوق بین الملل در راه محدودکردن اعمال خشونت دولتی علیه فرد گام های بلند برداشته، واقعیت آن است که هنوز بسیاری از دولت ها، از جمله دولت های جوامع دموکراتیک، گهگاه از خشونت برای پیشبرد یا پاسداری از منافع ملی خود، و رای رویارویی های بین المللی، بهره می جویند. اما، سیاست جمهوری اسلامی در این مورد سیاستی منحصر به فرد است. هیچ دولت دیگری هراس افکنی و قتل سیاسی را در حد جمهوری اسلامی به یک ابزار کلیدی دولتی مبدل نکرده است. فراسوی اعدام و شکنجه هزاران هزار از مردم

¹⁶³ ن. ک. به.

Murder at Mykonos, 4-10. (The fourth victim was a friend of one of the intended targets.)

¹⁶⁴ همانجا.

James Walsh, "Iran's Smoking Gun," *Time*, 21 April 1997.

¹⁶⁵ ن. ک. به.

¹⁶⁶ ن. ک. به.

Rick Atkinson, "Killing of Iranian Dissidents: 'Bloody Trail Back to Tehran,'" *Washington Post*, 21 November 1993.

¹⁶⁷ ن. ک. به.

Warrant for Arrest of Iranian Minister Issued in Germany," *Deutsche Presse-Agentur*, 15 March 1996.

Walsh, "Iran's Smoking Gun."

¹⁶⁸ ن. ک. به.

¹⁶⁹ همانجا.

ایران در درون مرزهای ایران، رژیم جمهوری اسلامی در کشتن صدها تن از ایرانیان مخالف خود در سراسر جهان، همراه با شماری بسیار از رهگذران بی گناه، نقشی مستقیم یا غیرمستقیم داشته است. این گونه اعمال خشونت آمیز رژیم بیش از آن که واکنش آنی و منحصر به فرد به تهدیدهای مشخصی باشند باید بخشی از یک برنامه سازمان یافته و نهادینه شده دانست که به حق رژیم را با صفت شرور شهرت بخشیده است. به گفته یک مقام دولتی «همه نهادهای حکومت در خدمت به این اعمال خشونت آمیز بسیج شده اند. رژیم کشتن مخالفان خود را در هر جای دنیا حق مشروع خویش می شناسد.»¹⁷⁰

همین برنامه سازمان یافته و منسجم است که به بمب گذاری مرکز آمیا انجامید و رژیم جمهوری اسلامی را بر کرسی متهمان به جنایت علیه بشریت نشاند. گرچه این حمله را عملی تروریستی شمرده اند، ویرانی و کشتاری که در این بمب گذاری روی داد بدون تردید آن را به جرمی شناخته شده در حقوق بین الملل تبدیل کرده زیرا از هر چهار ویژگی یک جنایت جنگی بهره برده است: «۱) قتل نفس؛ ۲) بخشی از یک حمله گسترده و سازمان یافته؛ ۳) ارتکاب یافته علیه مردم غیرنظامی؛ و ۴) انجام گرفته با علم و نیت قبلی. عملیات آمیا بی تردید یک تجاوز جنگی بود زیرا با تصمیم بالاترین مقامات رژیم، شرکت ایادی حزب الله و بهره جوئی از امتیازات و مصونیت های دیپلماتیک در بونئوس آیرس اجرا شد. اگر چه تحقیقات در باره این جنایت با بی کفایتی، فساد و گذشت زمان همراه بوده است ویژگی اصلی این رویداد را از نظر دور نباید داشت: رهبر رژیم جمهوری اسلامی و دستیاران ارشدش شخصاً دستور بمب گذاری در یک ساختمان غیرنظامی را صادر کردند که به قتل و زخمی شدن ۲۳۶ انسان بی گناه انجامید.

Sancton, "The Tehran Connection."

¹⁷⁰ ن. ک. به.



The Abdorrahman Boroumand Foundation

Terror in Buenos Aires

The Islamic Republic's Forgotten
Crime Against Humanity



A Report of the Abdorrahman Boroumand Foundation